

دانی و قانون شناسی را که در ازمه سابقه در
 بوده خفا بود نو آشکار ساختی - و **وای** هم و
 تمثیل و رعیت ووری و ملک داری را بیکو بر
 افراخی که از عهد کبومرث تا این زمان این صفت
 از هیچکس مشهور نشده و این قاعده از احدی
 بوجود نیامده الحق جان مرهس دولت را جیان
 بحس مشاصه آراسی که تا بدالدم با صورتی سکو
 بر آتیه صفا حیوگر آید و همان سنان ملت را
 چیل بداس تربیت و حشو و رواید پراسی که
 مدی الایم هواکه بیکو نمر نختد ، اگرچه از خود
 هیچ درگردد ما بی گذشته که رعیت آن بر
 ما واجب آید لکن تا بیک اداره حید شویم
 بزرگان هر چند ناسباس باشد لارم است و الا
 سوء فعال و قلیع است را که مانع برست سان
 است در صادر و این صحاح بی بوده آشکار ساخته
 با این مختصر در می چربید در می آورده تا در
 اصرف منتشر شود ، و برد دول و میل و خودت
 را قریب انواع الفصاح و رسوائی گرداند که من بعد
 هیچ عسوی و وصی برایت بی بند (و سلام
 عن من اتبع الهدی)

(الاحقر علی بن احسبی لدشی)

احرار مشهد

ساعتی سرین کرده و دم که رئیس بطمیبه بواسطه
 برچیدن بساط بعضی از اصناف عیاب که در
 حال مشهد کسب دارند همت گماشت و زحمت
 برد تا آنکه خیابانهای وسیعی شکلی مرصوب
 بد آمده چندی همی حال باقی بود تا در این
 راه حر اصناف با به اعتقاد قدیم خود که شاید این
 قوم بر موفقی باشد ، کسی مانع نباشود اکتاف از
 شرع را به از چیدن خریره و سیره گرفته و تصرف
 داده بودند تا اینکه رئیس بطمیبه در موفقیه
 و رف بخریره مصرع میشده می بند که بار معاشرت
 شده هدا هجدهم حکم میکند خریره های که حیو
 معاشر را به شده تمام را به سخن پدید برده و
 فقراء اعاق نماید ، مقدار ده برده حروراً تصرفاً
 خریره را به سخن آورده و فقراء اعاق نمودند و
 این حکم در مقابل حرکات تجاوزکارانه اصناف بسیار
 مدین و محابود اخطار شده که در آتیه نیز اگر

حلو معاشر را خریره بریزد همی حکم مجرا خواهد
 شد ، و نیز در این ماه مبارک اعلان دادند که اداره
 بطمیبه اگر مطلع شود ~~که~~ در فلان منزل مجلس
 قرار است مرتکبین را دستگیر و محاربات خواهد
 نمود این اعلان مجلس ثار را سخت قدغن می نمود
 اگرچه محاسن ثار ناخوبه مرتفع نشده ولی محاسن
 برای ثار تشکیل میگردد قابل اعتناء نیست ، ماری
 بواسطه اینکه اداره امیه صهران و شعبات آن با
 مسیو بفرم جان شد لذا اداره امیه خراسان نیز از
 آقا علی آقا سلب و به معتمد الوزاره رئیس بطمیبه
 سپرده شد و ایشان بزتمام ژاندرامها را که در نخت
 دست (محمد علی حادور) بود از شعل و اسلحه
 حلع نمودند حایه کار ژاندرامها را سوار **های**
 امیه محابود ، صاحب اختیار تحقیقاً نسبت
 ایالت منتحب و در همین ایام وارد مکرسی حکومت
 خواهد شد ، مجد ساسه مأمور طایفه خراسان را که
 حاش معلوم است معزول نمودند و سان اسلحه و
 از مرکز محمی ایشان خواهد فرستاد و آقا میرزا
 حسین جان نایب اول کارگداری را که شرح حال
 ایشان در شماره ۸ نامه مقدسه درج است مصوان
 معاون طایفه اعجاب نموده اند ، و آقا میرزا محمد
 جان در حرری مصوان مایه قدیم را نیز **مصحلاً**
 بصهران خواسته اند ایشان بر کتفه بشهاد و رارت
 طایفه نمودند اگر انجام پیدا نماید حرکت خواهد
 نمود ، آقا میرزا محمد جان از اول احرار ایران
 است که در جنگ اردبیل حصه و سایر جاه
 فوج باایی نموده که شرح آن در تاریخ خراسان
 مصلاً نوشته خواهد شد در مقابل این شخص
 نحمدت حواء نحمدت کتفه برست چه مواع تراشید
 و برای مردم رده اداره وی چه اقدامات سوء که
 نمود ، گاهی کتفه که دو سه نفر از احراء اداره
 مانی اند گاهی نعت مواحب احرا رباب است گاهی
 گفت اداره معاون مایه اند لارم نیست تا بالاحره
 شایده آرا هم برود تا به سبب جناب آقا میرزا
 حسین جان بعد از تمام درمانی **رای** ترتیب
 اداره چگونه اقدام خواهد نمود ، دو روز قبل
 صیرا سلسل مصوان الایاله و علاء السلطان رئیس کابینه
 ایاتی و رئیس قشون معزول شدید و بجای ایشان
 امان الله میرزا و سیره معین شدید شبانه تلگرافی رسید

باز آقایان مذکور بشغل خود منصوب شدند .
 تدبیراتی که برای ریاست عدلیه خراسان معین شده بود معزول شد . چند شب قبل نیز آقا میرزا سید تقی خان رئیس اداره تلافی خراسان معزول و باز منصوب شد ولی مطبوع است که بعد رئیس برای این اداره برگزینند و مشارایه را مایب رئیس اداره نماید . رئیس گمرکات خراسان (میو کورس) نیز معزول شد تا حال بجای ایشان کسی معین نشده رئیس بلگرامچاه نیز معزول گردید حاکم طبس را نیز معزول نمودند حال اصلاح ما رم که دو مرتبه منصوب شده یا حیر . برای جلوگیری شرارت عمده ای که انامدی تا حال اقدامی نشده عبدالزما . مبارک رمضان بمناسبت عید میلاد سلطان احمد شاه قاهر حش معنی ترتیب داده و وقعا در امانی خراسان از روی وسرت و حدی سرشار دیده میشد دستگاه حش بصبه و اداره ایی و اداره مشور ما شکو تر از همه حا بود چنان در بخوام این سه حش را شرح دم حینی معص خود شد . چند روز قبل بنگرافی از صهران رسید اشعار داشته بود که حقوق را با سامه بردزد حقوق آسوده مدسه نیز بدین موا ست خریدن صوس بوسعه . دم مساعدت صصبه در محاسی معین است . مه ارف مشرد و ولایت آن روز بروز در ترقی ست چنان در تمام ولایت خراسان ان افلا بکرب مدرسه مفتوح و دائر است در هیل در جزو شاپور و قوجین و برحد و ترب و ببرد خربینه . قعا مارا محس استقبال وعده دهد و مرابیت صبه وزراء را در امور معرفی باید هر مجزا شدن شاپور از بیرالوله و بوسه نایب خراسان است در واقع شاپور با راست که یک حش مفصل ترتیب داده و ابتدای تاریخ مجزا را ابتدای ترقی خود شاربند اگر این زده بفض اشود .

قاتل تاحرمانی بالابه معدوم الاثر ماند اگرچه میگویند که قوسون نامت شده ~~حک~~ قتل وی کی است ولی بواسطه آنه شرارت انان خود شاپورا در ایران معرفی نماید کان . یکی بداشته اند قزاق های مشهد نیز در احمس ادای متحصن شده و حقوق سنه ماضیه خود را که دو هزار تومان و اندی است میخواهند تا حال برای اسکات آمان

اقدامی نشده است . کاندی از قزوین داشتم نوشته بود که مشیرالسلطنه به سمت حکومت قزوین معین گردیده و یک نفر را در پیرون دروازه رشت سر بریده و سرش را با لباسهای برده اند حال نه قاتل معلوم است و به مقتول شناخته میشود .
 اعتراض نامه شاگردان مدرسه انامی خراسان در روزنامه محترمه صورت بروگرام مدرسه انامی خراسان را که درج فرموده بودید فرانت شده موجب تحیر و تاز ما شادردن مدرسه انامی گردید که چرا مدبری مثل جناب عالی باید معنی را بدون تحقیق در روزنامه این محترمی درج نماید تخص روع اشتباه جناب عالی و قرائن محترم عرصه می درد آقیه سردار سعید از بدو نامه اف فرمائی نحاك خراسان در مدد تاسیس یکمدرسه بطمی بود ولی فرض شخصی و نامالایم معنی روزگار حساب ایشمر در این حین مبه بر داشته بود و هنگام ماموریت صبس بواسطه سرش های نانی و ششاهی مجدبت ر ~~حک~~ آبی ر شگردن فارغ تحصیل مدرسه خطای صهران ست تاسیس آت مدرسه مهور نمودند ایشان هم با صاحب منصب ما دل دل گرمی ماموریت خود را انجام داده مدرسه معهود ر ر روی بروگرام مدرسه حریره یعنی (بی دوکر) آسان ترتیب دادند و خود سردر هم رحمت شیده اول زدوت برای مدرسه ارفقه ماسع ر حین خودش خرج عوده امه صاعری مدرسه ر ماضی زده و ما شاکردن با کمال مراقبت در آنو مشعون تحصیل هستم و ما عطف قصر خود در این مرتبه به بی بوع مانع باعث عدم تشویق ماسس عمر ما داشته شده ترقی ما در خدمت بوسن مرز حه مد بود میدور بجهه من بعد مدبر آن خریدن موهه معنی ر بدون تحقیق درج فرمایند

تخلی خلاصی کن نیز در حور باید ~~تخلی~~ از سه سال یا چهار سال . بشر یا کمتر هر چه ار نحد و بهادری و شجاعت برین را می شویم همه خود کشی ست . مثلا فلان پارلورا بسرب نوب کوفس و فلان اشخاص ایرانی را کتس و دستگیر کردن خود کشی و خود تباهی است . الان هر يك نضر که از اهل ایران تلب میشود بافت

تنگستان خاصه دلواری و اضمحلال علی دلواری و رفع
عمل قاجاق و شرارت تنگستانیها اردوکنی و سوق
عسکر مینماید. همینکه قضیه برعکس نتیجه داد رئیس
مکرات جمیع روساء بنادر تنگستان و اسباب اداره
آنها را بپوشهر طلبیده. فعلاً بنادر تنگستان بکلی ماری
از اداره و اجزاء است. اگرچه در اول وجود
ایشان کالعدم بود ولی اقلان را بورتی می دادند که
فلان و بهان چه و چه قدر احناس قاجاق نمودند
اکنون این هم رفع گردید و کاملاً امورات بکام دزدان
گردیده است. در واقع امروز فتح و فیروزی بصیب
تنگستانیها گردیده اگر این جماعت شریر و منسد و
مستحق قلع و قمع بودند امروزه در حال فیروزی
باید حاکم بوشهر را توبره نماید. ولی همینکه اردوی
خضم از مقابل ایشان درخواست همه مجدداً زراعت
و باغات خود مشغول گردیدند و معلوم نگردید که
چه چیز باعث این اردوکنی شده بود

(بلدیه بوشهر)

مدت دو ماه است انجمن بلدیه ریاست آقا سید
حسین بهبانی متقدم گردیده و اقدام به بعضی کارهای
حزنی نموده اند. ولی کارهای عمده و برخ اوراق
و عمده مداخل بلدیه هنوز در تصرف کلانتر سابق
میشد. ورنه انجمن بلدیه حریت مقابلی با وی
ندارند بلکه توه مجریه که حکومت باشد از
حناب کلانتر حائث است و تا این مرعوبت سست
عصری در حکومت باقی است هیچ کاری موفق
نخواهد شد. چنانچه چندی قبل زایر علی تنگستانی
کدخدای ریشهر را معزول نمود. مشارالیه بواسطه
انساب به تنگستانیها متمسک به بعضی اقدامات گردید
و حکومت مجبور شد که دوباره او را بکار خود
منصوب نماید و عذرخواهی از وی کند. اهالی عمارات
بیرون میگویند که زایر علی مذکور از هیچ نحو
اجحافات فروگذاری نمی نماید و میگوید کی میتواند
دم بزند. من بقوه شمشیر کدخدائی گرفته ام و از
هیچ کس باک ندارم. حاشی که در بوشهر و در زیر
دست حکومت این واقعات رخ دهد معلوم است
که دولتک و عباسی و جاشک چهها واقع خواهد شد.
اتفاقاً که این ایام در بازار بوشهر بر سر گوشت
رخ میدهد بینه واقعات سالهای قحط را یاد می آورد
روزی نیست که ده دوازده دعوا و نزاع بر سر

گوشت نشود. همینکه يك شقه گوشت در بیدکان قصابی
ظاهر میشود حمیت زیادی روی آن ریخته کاردها
و جاقوها بیرون آورده با يك عالم وحشی گری و بر
بریت آن شقه را باره باره میبایند در این میان
چندین دست بریده ریشها کننده مرضها بر باد میرود
آیا روی کره زمین يك شهری يك قصبه يك دهی
هست که این گونه اقتضاحات و وحشی گری بر سر
امتنه و ارزاق بیاورند. این عمل زشت در بازار
بوشهر نه فقط و سر گوشت میشود بلکه بر سر
عاب امتنه مانند خضرویات و غیره همین عمل
ماضی از رواج دارد و هیچ منع کننده هم نیست
حکومت محل بابکلی بخبر یا آنکه جرئت تنبیر و تعبیر
با کلانتر ندارد چه حای آنکه انجمن بلدیه بخواهد
اقدامی کند یا نکند

کازرون

در قصبه کازرون ماهی دوسه فقره واقعات
ماگوار رخ میدهد و مسلم است که بواسطه نبودن
حاکم مقتدری نه فقط در کازرون اینگونه سدمات بر
اهالی رخ میدهد بلکه جمیع قصبات و قراء فارس
درد بی درمان مامنی وقتن و عارت مبتلا و دوچار
میشد. سره شهر مبارک شخص دعائی که سه قران
از يك هر کازرونی صلیگار بود در صحرا او را
ملاقات و مطالبه طلب خود میباید. مدیون دو قران
باو داده میگوید بیا برویم بر سر فایز يك قران
دیگر خورده کرده شو میدهم. وی قبول نموده
سخت مطالعه يك قران میکنند. چند که سخت بین
ایشان ردوبدل میشود. فوراً شخص دعائی که از اهالی
الیف بوده تنگ خود را دراز نموده مدیون را
مقتول میباید پسر عموی مقتول که در قلعه
سیدو همان نزدیکی بود مطلع شده میرسد و قاتل
طالم را قصاص و بمقتول میرساند. اهالی کارج که
قراتی با شخص الیبی دائن داشته خبردار گشته
می آید قاعه سیدو خانه قصاص کننده را محاصره
می نماید و بعد از قسم و دادن بیسان و اطمینان
بیچاره را بیرون آورده خواهش را عارت میکنند
و او را مغلولاً بکارج میبرند

حزیره بن موسی

(حزیره بن موسی) ملکی ما که بین دولت

بندرنگه

هفته قبل در میل مفردی یک نفر از رعایای ایران و از کسان میر برکت خان مجبوساً آوردند لکن - و از طرف نایب الحکومه دو نفر تسکی در حالت قوسول انگلیس رفته و او را ساده نمودند و فعلاً در قلعه حبس است و گویا برادر میر برکت این شخص را گرفته و تسلیم دولت انگلیس نموده .

در خصوص (حریرین موسی) که در احراة حاجی حسن بن سمیه بود و آهم به کپانی حرم احاره داده بود البته واقعات آن از سابق مسبوق هستید ، که اعراب و حسب اشاره همسایه نمک به بیرفی آلمان زدند ، و بعضی اسباب آرا شکستند و مدتی بود که از طرف دولت انگلیس کاک آخا کار میشد ، این در لندن کاک طرف ورن نموده و به سارت دولت آلمان هروش میرسید ، و در گهنگو بود ، چند یوم قبل از طرف قوسول انگلیس رسماً بحال حسن بن سمیه که احاره دار اصلی بود اعلان نمودند ، که تا مدت ۲۴ ساعت آنچه اسباب در حریره دارند باورید و الا میاوریم ، حاجی حسن جواب داده ، که اسباب ندارم و آنچه هست مال کپانی آمان است ، پس از موعد حایوت و ماشوه حاضر نمودند و با چهار اسبکس حساب آقا بدر مامور شد ، از قرار معلوم محداً کپانی آلمان فوراً تلگراف کرده بود ، محداً حکم رسیدند دست سامان رسد ، مراجعت نمودند ، لکن سیر عوام نوع دیگر حلوه دادند اصل مطالب این است ،

محداً معمار فرستادند جزیره (ناسیدو) بعضی تعمیرات دیگر نمایند ، و کار انگلیس و ده نفر سپاهی در آنجا ساحلو دارند و قریب ده باره هراتی رجال پیاده شده ، حیالی اسباب محبه ناسیدو آمده در گمرک لنگه که باید تراشید شود ،

مسبو کرسطل رئیس گمرک لنگه کنتراش تمام شده و فردا طرف عسلی با چهارات کوچک حرکت میباید ، اسار السلطان فعلاً رئیس گمرک است تا بند چه شود ، آقا بدرکال همراهی با انجمن بلدی دارد امیدوارم کارها زودی انجام بگیرد ، اینک

آلمان و انگلیس مدتها محل گهنگو است از قرار مسموء امروز قوسول انگلیس اعلان بوکیل ایشان - حی حسن بن سمیه داده است که تا مدت ۲۴ ساعت آنچه اسباب و آلات دارند حرکت دهند ، هرگاه مسخره نماید خودشان حرکت خواهند داد و هفته قبل از چهار مد حیالی اعراب (محمه ناسیدو) در کله داده بودند چون دلیل حیالی داده شده شدید آتش بگیرد ، فرات بحاله یاد گرفته اند مسخره در مسال دین اصعب باید ارمالی و نیز و سستی و د آورده شد ، و فعلاً قریب ده نفر سرتی سر آخا ساحلو دارند ، روز یکشنبه از حرم میهدس آمد و روت ناسیدو دو چهار یکی اسپکس و یک کرخا کوچک دایم در ناسیدو و همه همه به - می آید و اعراب سادر شده میروند و حور حور میدهند ، جمیع مشایخ شدکو در تحت مرشان میشدند . ساعت حالا و ورور ایشان فرشته شده بد

بعضی حکومت که حشر معلوم است ، امکان در حرکتی بدون احراة ایشان باید ، اسباب قصد بحرمانه صرف دست و لار رهانه می شود از مراجعت حکومت لرستان و اعتشاش حیالی مسرورید ، علامه بد در حق مسرورده و متروبه حواهل میگردد ، مذکورید این انتشارات همه از دولت متروبه است ،

(شیراز)

روز ۶ شهر صیام در راه (سعدی) تفکیکی وسوار و برناری را که محمده حمطراه بشامده بودید قریب صد نفر درد از سوار و پیاده روی آنها ریخته شد میباید بیست نفر از سوار کشته و چشم از سر جدا میشود ، سینه را هم دزد ها برده اند و با رور حرمی از سوار و سرمار مستحط راه که در دنده شده اند آمده تا سه رور قبل مال و اموال را می بردند حالا آدم می برند ، اسوار و سوار ۳۵ نفر را برده اند ، مرق و شواره کمال بی را دارد ، هرح و صرح و باد تر میشود رئیس - - - - - و رول شد ، مذکورید عن الدوله حاکم فارس ، باشد ولی هنوز معلوم نیست که باید یا نباید ، در ا حراب عوام الملک الحقی کمال بی وجودی در حاله دید و می خواهند مملکت را بنام بدهند که نامه دیگران شهرت کند

رئیس اداره بلدی دارند و در خیال هستند که شخص قابل را پیدا کنند ، جناب حاجی عباسعلی هم بچاره حتی الامکان لوتاهی ندارد . در خصوص آقا محمدر احمد هم خیلی افسرده است . میگوید فریب بعضی اشخاص خورده ، و الا با همه تندی آن ساخته بودم . اعجاب شما جناب نایبالحکومه و حاجی عباسعلی در خدمت جناب اقا بدر هستند و در امورات بلدی مشوره میبایند ، امید است که اهالی نموده و کارها بزودی اصلاح شود ، امروز یکی از جهازات جنگی انگلیس که اسم آن فراموش شده یعنی هرگز در سادر نیامده آمده و فردا عزم با-یدو میباشد بکند و سی نفر عمده دارد .

مکتوب از کابل

(۲۷ شبان ۱۳۱۸)

رونامه جناب الله را ما بک اشتیاق ما فوق بیان همه هفته میخوانیم و از وسایع ایران و حال مسلمانان و شرف و مقاصد دشمنان حقیقی اسلام شوی ما را خون می باریم ، و هیچ دی حسی مقاصد دشمنان ایران که اضحاجان سلام است پوشیده میباشد . فقط تمجید ما از همراهی انگلیس برهس است که با آن همه همسرهای حسی که بسبب است شرقی او وارد تواند چاره تاین درجه نامقاصد او همراهی میبایند ، ما اهالی افغانستان تاریخ جنگاری سانه را بجهت های این از آن فراموش کرده بدت انگلیس کمال اعتماد را داشتیم ، از همراهی های او مروس که که دارد سلب اعتماد ما را روی میگذرد ، چرا ، که ایران امروز مرکز اسلام است ، اگر انگلیس روسان مدد دهد که مرکز اسلامیت را مهدم سازد مثل این است که خودش برو عهده اسلامیت قیام نموده باشد ، در آن صورت چگونه ما ایمان نتوانیم با انگلیس اعتماد بمانیم ، خصوصاً وقتی که می بینیم در معاهده روس و انگلیس افغانستان را هم شامل نموده اند . ازین رو قابل القیاس است که بعد از ایران همان نازی هم بر سر ما بیرون آید ما همچو خیال میکنیم که همراهی انگلیس ما را روس در محو مسلمانان علاوه بر اینکه انگلیس ماری در آستین برای خود می پروراند و عاقبت در هندوستان گرگ شان خواهد شد اعتماد جمیع مسلمانان

این امر را بش رای انگلیس از تقویت دادن روس کمتر بست ، خنده دارتر آنکه باین معصود کباب هم بواند اردید ، چه مسلمان دنیا بیدار شده ، دارند معصرات و مایع خود را می ویند ، و این فشارها که دارد روس زود اتحاد انگلیس با ما دارد می آورد مرید بر حیثیات آنها کردند . جمیع مسلمانان را ما را ما اتحاد میباید . این حیایه در محو استدلال اسلام شده خیال جم است ، مسلمانان را بیدار نموده همچنان عصبانیت را خواهد آورد و انگلیس بش تر از روس همان خواهد دید . بر فرص شمال هم نه روس در محو اسلام لال اسلام می ما بالای ایران کامیاب رود انگلیس را در هند ستان همیشه تهدید خواهد نمود

از شبیدن واقعات ایران تمام بقیات افغانستان حصه بلدی این سلمان بیجان آمده و خوف آن است که که داسی بر انقلاب صابین گردد

اوصال افغانستان هم چندان صمیمان بخش بست ، بیداری ما ، و ارا اهالی همان راه اندک تکانی داده . ولی چشم و گوشان بسته است ، اعلیحضرت امیر جن درت را شرح میدهد ولی اهالی این مملکت حینی ردعای ما خصوصاً سیاست دنیا بی اطلاع اند ، مدرس مدرسه ، سوی حرمین سایر حرابند فارسی را می بینیم ، یعنی ما و اهلان می آید

آنچه به تحقیق پیوسه مسلمانان ترکستان از ما افغانستان بشناید ، همچنان اسلامی برخلاف روسیه در ترکستان ایمان دارد و بجزردن روسیان در بیت نکته سرشان لرم شود رشته سودیت روس را ر کردن خواهند افزودند و این همچن را دو سبب است - اول برای روس سال گذشته با هم شیعه و سنی در مسلمانان اندخته سپس آنگاه شد که روسیان بحرک بوده اند - دیر حرکات اسلام استمحلل ده او در ایران

یکی از رجال بزرگ امان میدت ، ایرانیان زن شده اند ، هر قدر ما روسها ملامت کنند بدتر خواهد شد . همان مسمی که ما قشون انگلیس ها را از افغانستان را بداریم ابراهایا باید قشون روس را از ایران برانند ، ورنه هم مال خواهند داد هم جان و هم استقلال ، و آن وقتی خواهد بود که

جنوب عود نماید نتایج وخیمه خواهد بخشید
وقایع نگار طمس اطلاع میدهد یاد داشت دولت
انگلیس به ایران مبنی است بر مطالب مشروحه از
اقدامات حاسکه اثر آن تا دیروز برقرار نماند
و دولت انگلیس ناچار بارتکاب آن تن درخواهد
داد در صورت پیش آمد بعضی از امور ناپسندیده
این یاد داشت مدال میدارد که مسلک عدم
مداخلت که تاکنون انگلیسان اختیار نموده بودند
خانه پذیرفته و محتمل است که دولت روس هم در
شمال ایران همین مسلک انگلیس را درجنوب اختیار
نماید. و این اقدامات برای عدم قبول ایران قرضه
دواین راست که منجر به تقسیم آن مینماید، دولت
انگلیس مسلک اولیه خود را ترجیح بر اختیار مسلک
ناپوی میدهد ولی مایل است که در معاملات ایران
با دولت روس هماره دوستانه رفتار نموده باشد
(۱۸ اکتوبر - ۱۴ شوال)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دولت
انگلیس در یاد داشت خود که بحکومت ایران تقدیم
نموده ضمناً داشته است که هرگاه ایران در مدت
سه ماه امنیت در جنوب قائم نماید دولت انگلیس
سای خواهد بود در فراهم نمودن قشون ایرانی
در تحت کماندن افسران هندوستانی. و برای مصارف
این قشون در صدی ده بر کمرکات خواهد افزود
و هرگاه کفایت نکند حصه از کمرکات فارس را
مزید بر آن خواهد ساخت و چنانچه برای گرفتن
قشون از داخله ایرانی مشکلاتی پیش آید در آنصورت
قشون هندوستانی خود را برای امنیت جنوب وارد
خواهد نمود

§ بموجب خبر طهران سواران بمبیداری تحت امر
حکومت با نائب حسین کاشی مشغول بجنگ اند

§ روزنامه دیلی نیوز در خصوص یاد داشت انگلیس
به ایران چنین رای میدهد که جای انکار نیست که
جنوب ایران ناامن است ولی نه بآن درجه که
لازم باینگونه اقدامات باشد. گویا سر ادوردگری
وزیر خارجه ما چون مایوس از اخراج قشون روس
گردیده خویشتر را در مقابله روس بمعاوضه بانثل ناچار
دانسته است. مسلکی که در این یاد داشت اختیار
شده تصریح به تقسیم ایران می نماید ولی بر حسب
عقیده انگلیسانی که واقف بمناسبات هندوستان هستند

صاحب منصبان روس را شبانه در خانه های خود جای
داده علی الصباح آب حمام برای آنها گرم نمایند. همین
روز سیاه را ما دیدیم تا به رگ غیرتیمان خورده از
جان گذشته گوی سعادت و استقلال ربودیم، ایرانیها
خیلی سهو کرده اند که میخواهند قشون وارده
بیگانه را بحرف های نرم یا جابلوسی و یا به تشر
خشک و خالی از خانه خود بیرون نمایند، اگر
بیداری و سیاسی شناسی این است که ایرانیها درین
یک و نیم ساله در مقابل اجحافات قشون روس
ابراز داده اند خوشا به جبهالت و خواب افغانان،
گویا یکنثر با سیاست در ایران نیست که حقیقت
پلندیک را با ایرانیان حالی نماید، هر قدر ایرانیان صبر
نمایند شد های اسارت خود را سخت تر کرده اند،
معلوم می شود تعریفاتیهم که حبل المذین از ملا های
شیمه نموده همان اغراقات شاعرانه است که از یک
قرن باین طرف ایرانیان را محو فغاضی نموده
است، موقوفی که حال ملا های ایران را می بینیم
علای افغانستان را بوسیده بروی سر میگذاریم که
در حفظ بیضه اسلام از مال و جان دریغ نمیدارند،
و وقتی که خبر حرکت علای نجف برخلاف روسیه
اشاعه یافت علای ما در حایه آنها فوراً مستعد
رفتن بایران شدند، و وقتی که معلوم شد آن خبر
هم فغاضی بود هم سرد گردیدند، الغرض تمام توجه
دامان افغانستان امروزه بلوضاع ایران است و جز
تاسف خوردن بحال ایرانیان کاری ندارند، یکی از
سرداران دیشب بین صحبت بمن این عبارت را گفت
« ایرانیان جقدر بی حیثیت اند که جسد مادر پیر
شش هزار ساله خودشان را زیر سم ستور دشمن
لنگد کوب ساخته اینقدر همیت و غیرت نمی نمایند
که لااقل جنازه نازنین او را بایک هیجان ملی یا باهاموی
محبوبانه فرزندی از زمین بردارند، اف بر این
ناخلف فرزندان ! »

(حس خان سردار زاده)

▶ تلگرافات روتر راجع بایران ▶

(۱۷ اکتوبر - ۱۳ شوال)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که بمناسبت
خساره تجارتی انگلیس در اغتشاشات جنوب یادداشتی
سخت سفیر انگلیس بدولت ابرایش تقدیم نموده
و در آن تهدید شدید کرده است که اگر امنیت در

اختیار چنین مسلکی را زایدالوصف زیان بخش و ناپسندیده میدانند

§ استندرد مینویسد که تعجب ما در این است که سرادوردگری چرا در اختیار این مسلک تا ایندرجه تمویق را روا دیده بود دولت ایران باید بداند که دولت انگلیس خیلی صبر نموده است .

§ طمس مینویسد که دولت انگلیس در مسلک صبوری که نسبت بایران اختیار نموده بود تجارت خود را در جنوب نقصان رسانید . ازین و بعد نمی تواند به بند که رعایای او در طرق جنوب غارت و برافسران او حمله و تجارت او بر باد و قصاصی هم دیده نشود ، هرگاه دولت ایران عاجزاست که در جنوب امنیت قائم نماید ما قادریم بر امنیت دادن آنجا و در طرق تجاری خودمان پلیس برقرار داشته تا دولت ایران قادر بر حفظ امنیت شده و ادارات در طهران منظم شود - ولی ما امیدواریم که این اقدامات را ضرورت بیش نیاید . مسلکی که دولت انگلیس تصبیه نموده این است که تا حائیکه ممکن شود دخالت در امور ایران نموده او را بحال خود گذارد . دولت انگلیس مرکز خواستگاران بیست که یک وجه از اراضی ایران را متصرف شود و با از خاک ایران شامل بسرحداث هندوستان نماید .

(۱۹ اکتوبر - ۱۵ شوال)

§ مخبر روتر معلوم نموده است که یاد داشت دولت انگلیس بحکومت ابراش پس از مشوره ما دولتهن روس بوده ، دولتهن انگلیس و روس در معاملات ایران متفقاً پیشرفت نموده و ابدأ مسئله تقسیم ایران در میان نیست ، هر دو حاضرند که بیروی نمایند مسلک عدم مداخلت را تا حائیکه خارجیا را صدمه و زیانی وارد نیاید و امنیت برقرار ماند

§ در اغتشاشات جنوب دولت انگلیس خیال ندارد قشون وارد کند ولی میخواهد به دولت ابراش بفهماند که این اغتشاشات را نمیتواند دائمی نسلم نماید . این را نیز معلوم نموده است که دولت روس از جندی باینطرف مصمم به اخراج قشون خود میباشد . ولی بیسزمکی های حکومت سبب تمویق این امر شده و امید است که زیاده بر این حسابات دوستانه مجلس نسبت بروس این اشکال را هم حل بنماید

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که در یاد داشت انگلیس بایران اتمام حجت شده که اگر دولت ایران در مدت سه ماه امنیت جنوب را قائم نماید دولت انگلیس مصمم خواهد گردید که بین

هشت و ده افسران قشون هندوستان را در جنوب فرستاده ترتیب لشکری از ایرانیان داده راه بوشهر تا اصفهان را مأمون بدارد و در این اقدام هیچگونه ذمه داری حکومت هندوستان را نخواهد بود و دخالت در امور ایران نخواهد داشت

(۲۰ اکتوبر - ۱۶ شوال)

§ جرائد ترکی و آلمانی یادداشت انگلیس را بایران ختم گین می نگرند هنوز دولت ایران جواب یادداشت انگلیس را نداده است . چنان مستناد می شود که بیشتر بحث آنها در این است که اگر ابراش در موقع داده شود برای گرفتن یک قرضه ، نذاریک تواند نمود خواهشات دولت انگلیس را قبل از آنکه دولت مشارالیها موقع در اقدامات خود بیاید

§ مخبر روتر معلوم نموده است که دولت ایران جواب یادداشت انگلیس را روز جمعه یاشنبه خواهد داد . چنان استنباط شده که در جواب دولت ایران ایزام خواهد داد اعتشاشات داخلی را بقیام قشون خارجی که توعید میدهد باز گشت شاه مخلوع را و نیز دخالت خواهد داد این اعتشاشات را به مباحثات بحاصلی که در ماده استقراض شده و تا کنون ملتوی است ، و در آن امید واری ظاهر خواهد داشت که دولت انگلیس تأیید نماید ابراش را در جلب یک استقراضی از صرافخانه های لندن که بیشتر آن وجه صرف امنیت مملکت گردد ، و همچنین این مسئله را قوت خواهند داد که بر حسب تجویز دولت انگلیس ابراش در صدی ده بر کرکات خود برای مصارف امنیت تواند افزود

§ دولت عثمانی در سا و جبالغ و کرمان شاهان مجافلیس برای قونسل خاص ای خود فرستاده است بقول مخبر روتر این حق در ایران فقط برای روس و انگلیس حاصل بوده است لایر

§ مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که یاد داشت دولت انگلیس بایران اثرات بسیدار بدی در کایه طبقات عثمانی بخشیده و اخبارات ترکی آرتیکل های زشت در حق دولتهن روس و انگلیس مینویسند که دولتهن مذکورتن توام در محو استقلال ایران مجد و سعی اند ، دخالت های دولت روس در شمالی ایران دولت ما را سرمشق میدهد معاوضه بالمثل را

(۲۱ اکتوبر - ۱۷ شوال)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که مجلس تلگرافاً جناب ناصر الملک را طلب فرموده و خواهش نموده است که بدون فوت وقت طهران آمده عهده

نائب السلطنتی خویش را اختیار فرمایند

حبل المتین

کسانی که از اوضاع ایران و کار ووائیهای همسایگان واقف نیستند از ملاحظه این تلگرافات چنان تصور می نمایند که در حقیقت واقعه تازه پیش آمده است و چنان در نظر شان مجسم میگردد که ایرانیان در حق خارجیان سلوک بی رحمانه اتخاذ کرده و با اقلاً همجه خواهند فهمید که دولت ایران قابل انتظامات ملکی و قانر بر هیچ گونه حفظ امنیت نیست ولی واقفان رموز میدانند که هیچ یک از مراتب مقرون بصحت نمیباشد و ابدأ این تصورات را تصدیقی در بی نیست ، بلکه تمام این واقعات چهار ساله ایران یک تیاتر بلندی است که از دربار با تبدیل لباس هر روزی بشکلی جلوه گر میگردد. حالا ما میخواهیم با عدم گنجایش برده را بالا انداخته صورت حقیقی تماشایگران این تیاتر خواه را طاهر نمایم آشنایان تاریخ می دانند که از یک صد و اندی سال باین طرف دولت ایران در کشمکش رقابت روس و انگلیس اوفتاده گاهی این و گاهی آن موقع یافته ایران را در فشار آورده از اطرافش مقرض نموده و حقوقی هم در حق السیف برای خویش ثابت کرده گاهی بر رقیب غالب آمده و گاهی مغلوب گردیده در هر صورت در اضمحلال ایران و مانع تراشی برای ترقی آن دقیقه فروگذار نه نموده اند. چنانچه مورخین منصف دنیا علت العدل عقب اوفتادن ایران را همان رقابت دولتی و فشار از جانبین دانسته و تصریح بموانع تراشی آنان در هر موقع نموده اند. تا اینکه ده سال قبل آلمان امتیاز راه آهن بغداد را از عثمانی حاصل کرده اندک اندک تجارت خود را نیز در ایران زیاد نموده. اینست انگلیس را بوحشت انداخته در جلوگیری آلمان مصمم و جاره را در اتحاد با روس میدیدند. روسیان که هماره ایران را خورده دانسته و مطمح نظر شان هندوستان بود دست اتحاد بجناب انگلیز دراز نمی نمودند. تا اینکه جنگ اقصای شرق دو گرفت. آلمانیها موقع یافته امتیاز تسکیل سنگ از ایران حاصل و بقوه تعلیمی و تجارتی خود هم افزودند و تا درجه مرحوم مظفرالدین شاه کبیر را بطرف خود جلب نموده مزید بروحشت انگلیسان گردیدند. در این گیر و دار که روسیانت در اقصای شرق مخدول شده انگلیسان را موقع بدست آمده توسط سفیر خود شان لاردر هاردینگ فرمانفرمای آتی هندوستان ساز اتحاد را با روسیان توافقند و

برای انداختن انقلاب در ایران و بهانه بدست آوردن در پشرفت مقاصد خود تبدیل سلطنت استبداد را به مشروطیت جایز نموده باب سزات انگلیس بروی مشروطه خواهان باز و حایه انگلیسان از ملتبان آشکارا و مجلس منعقد گردید ، چون مظفرالدین شاه مرحوم همه تن تسلیم ملت شد مقصود حقیقی که انقلاب ایران و محو قوای دولت و ملت بود حاصل نیامد ، ولی نظر بر اینکه مرحوم مظفرالدین شاه در جلب پول چون نقش سکه محو و ملت بود او را مایل به استقراض توام از روس و انگلیس نمودند چنانچه در آغاز افتتاح مجلس مسئله استقراض پیش و با کمال شدت مجلس رد نمود با اینکه شرایط آن که مقصود حقیقی دولتی بودی ظاهر نشده بود ، از آن بعد قوه اتحاد دولتی زیاد و در همان ایام مجلس نیز تصدیق امتیاز سنگ آلمان را نمود. همذکه دیدند از مظفرالدین شاه بواسطه ضعف قلب اختلاف با ملت و اوفتادن انقلاب در داخله ممکن نیست ، خیالات خود شان را مصطوف بطرف دیگر داشته ناگهان مظفرالدین درگذشت و محمدعلی که آله پشرفت خیالات روس بود روی کار آمد ، از همان ساعت میدان اختلاف بین ملت و دولت آواسته انگلیسان دامن حایه ملت را بر کر زده روسیان شمیر تأیید دولت را بدست گرفته یکی صندوق اسرار ملت را ربود دیگری محفظه خیالات دولت گردید ، دولت و ملت بلیتک ناشناس ایران را بهم انداخته می مشت بود که بکله بیکدیگر می کوفتند و ابدأ تصور نمی کردند که کوبنده این مشت دیگرانند ولی تا زمانیکه معاهده دولتی روس و انگلیس امضا نیافته بود در برده اقدامات اختلاف انداز می شد ، همذکه معاهده از طرفین امضا یافت بر پرده روسیان محمدعلی را به مخالفت واداشته. ولی چون کاملاً از مجلس مأیوس نشده بودند بدو استبدالی نامه محمدعلی را بر مجلس صلاح ندیدند ، این بود که مجدداً مسئله استقراض را پیش آورده و مجلس را مجبور به بحث در آن موضوع ساختند ، همذکه بطریق سرسری مجلس بی بشروط استقراض برد زیر بار نرفت ، احراف و کلا از استقراض همان و صدور حکم انهدام مجلس از (دیوال) همان، و شد آنچه شده و علناً آغاز به خونریزی و غارت و اختلاف بین ملت و دولت گردید اگرچه محمدعلی برای قبول هرگونه شرایط دولتی حاضر بود ولی جنبش خیرت مندان آذربایجان و سمرقانی روسی دولت ایران بشروطیت مجال به همسایگان نهاد

که مقاصد خورشیدشان را از او حاصل نمایند

این نکته بر آشنایان جراید پوشیده نیست که آلمان و عثمانی که نیکو بی مقاصد روس و انگلیس برده بودند تا چه اندازه طرفداری از ملتبان تبریز نمودند، چنانچه پس از ورود قشون روس قایدین ملت مجبور به محصل در قونسلیخانه عثمانی در تبریز شدند و باز شدن باب سفارت عثمانی و اطریش بروی ملتبان در طهران خود نبوت این مدعاست. این بود که دولتین ناچار چاره را منحصر در بقاء سلطنت مشروطه دیده از شمال و جنوب قشون ملی وارد طهران و محمدعلی را از سلطنت خلع کرده در آن موقع برخلاف جمیع قوانین دنیا روسیای با مشوره انگلیسان محمدعلی را بنام داده با آن همه خونریزی ملت و خرابی مملکت و برپادی اناة سلطنت دولت جدید را مجبور به دادن يك مشامه هنگفتی به محمدعلی ساخته و پرا در روسیه برای چه روزی نگاه داشته و رایجی مرعوب داشتن ملت و فشار آنان در قبول تکلیف آنها به پناه های خفت از چند طرف قشون به ایران وارد ساختند و همه روزه يك کوه اشکال برای دولت تواید و هر ساعت يك نفر را به بغاوت انگیزته مایه دولت که از زمان مفردالدین شاه خراب بود خراب تر کردند و دولت را از مصارف اردو کشی های بچوب و شمال و مشرق و مغرب فرصت باصلاحات دیگر دادند. واقعات رحیم خان و داوآب میرزا و امثال آن بهترین دایل این بیان است. این و سایل و بسیاری از وسایل دیگر که ذکرش در اینجا گنجایش ندارد دولت ایران را مجبور به استقراض ساخته و از چهار طرف ابواب مداخل و راه حصول استقراض را بروی ایرانیان بسته حتی به ازدیاد گمرک که سراسر زیانش باید رعایای ایران بود رضا نداده تا به مقصود خود نایل آمدند، یعنی دولت جدید برای استقراض بسیار ناقابل دست پیش آنها دراز کرد، شروطی را که برای استقراض با ایران پیش نمودند طشت مقاصد دیرینه دولتین را یکمرتبه از بام افکند یعنی علاوه طاهر داشتند که ما را هیچ مقصودی جز تقسیم ایران بر حسب معاهده بست، نهایت میخواستیم بذریعه چهار صد هزار لیرا که خونبهای اسارت شصت کرور ملت ایران و قیمت استقلال شش هزار ساله آنهاست امضا داشته تا سایر دول که مکران گریه رقصانهای ما بند نتواند قانوناً ابرادی بر ما وارد آورد، همیشه کابینه قدیم ایران شرایط استقراض را دید قبل از آنکه بمجلس پیش نماید

رد کرد، بمجرد رد شروط استقراض بنای اسباب چینی برای کابینه نهاده شد، به سبب طرف در اخراج چند نفر وزرا کوشیده از طرف دیگر قشونشان بنای بزرگی و اجحاف را در داخله گذارده تا اینکه فشارها مورت عبرت ایرانیان گشته نوری به پناه اینکه میخواستند از يك آلمان استقراض نمایند و امتیاز راه آهن ما دهند یاد داشت استقلال شکفته را توأم به دولت ایران پیش نموده از دادن امتیاز مخارج بدون مشوره با دو تن تهدید نمودند - و شنبه ها بکار برده تا وزارت سابق را منحل و آن اشکالات عظیم را در تشکیل کابینه تازه تواید و آن خوفان بی تمیزی را در طهران بین فدائیان و دولت آماده کردند - همیشه کابینه جدید ابراز فصاحت و قدرت داده و تا اندازه خرابی مایه را اصلاح نمود با اینکه از ابتدا سفارتین اصرار داشتند که مستشارهای خارجی برای ادارات ایران لازم است. و قریب کابینه مصمم حلب مستشارهای خارجی گردید چون از دول بیطرف اتحاد می شد یاد داشت استقلال شکفته دیگر بدولت پیش نمودند که جاب مستشار خارجی از دول بزرگ تشکیل رقابت بین المللی در ایران تواند داد، و چون ایقان نموده اند که کابینه جدید اگر جندی بدین منوال کار کند و استحکام پیدا نماید تمام مقاصد آمان و آنها، رنگریزیهای چهار ساله شان باطل و دولت جدید نه تنها بر امنیت ایران مقتدر خواهد گردید بلکه ابواب همه گونه پناه را بروی آمان خواهد بست - ایست که این اشکال تازه را برای دولت تولد و این یادداشت جدید را پیش نمودند حالا باید دید که زمان بلندی این یادداشت چه میگوید « این یادداشت میگوید که دولت ایران را سه ماه مهلت میدهم که بخودی خود و بارضای خاطر شروطی را که در استقراض پیش نموده ایم منظور کند ورنه بشرق دست آن شروط را اجرا داشته و بخلق او خواهیم ریخت - این یادداشت میگوید که دولت انگلیس نمیتواند به بند که در منطقه نفوذ او بر حسب معاهده دولتین افسران زیدار می دولت دیگر امنیت قائم نماید - این یادداشت میگوید که دولت روس هم باید در منطقه نفوذ خود همین اقدامات را تعقیب نموده و دولت ایران هم مجبوراً قبول نماید - این یادداشت میگوید که ایران جبراً باید تقسیمات جغرافیائی ما و روس را منظور دارد، این یادداشت میگوید که قوای

لشکری و مالی جنوب کلبتاً باید در اختیار ما باشد ، این یادداشت میگوید که مصارف این تشکیلات بر ذمه هندوستان نیست بلکه از مالیه ایران حاصل خواهد شد ، این یادداشت میگوید که در منطقه نفوذ خود با هم تشکیل اردو تمام جوانان جنگجو و رؤسای عشایر و مردان کارکن را تحت نفوذ و زیر رکاب خود آورده قدرتی حاصل خواهیم نمود که احدی در آینده نتواند جایگاه ما را تهدید نماید ، این یادداشت میگوید که رفته رفته با خرج تراشی با هم تشکیل اردوهای جنوب بقسمی دولت را زیر بار فرض و مصارف آریم که مانند مصرف سال دیگر هم نتواند خود را نجات داد ، این یادداشت میگوید ایرانیان اگر از کارهای يك کرنل روسی در طهران لذت کافی نبرده اند از اقدامات ده افسران ما محظوظ خواهند شد این یادداشت میگوید که کشیدن راه آهن جنوب و کار کردن معادن و راه سازی و تجارت و غیره و غیره تمام از خصایص مختصه دولت انگلیس است ، این یادداشت میگوید که عنقریب در جنوب تشکیل بلوک ضوایی شده امارات ممتازة تحت حایه انگلیس قائم خواهد شد ، این یادداشت میگوید که بذریعه دخالت های ما در جنوب و مداخلت های روس در شمال ملیت ایران بقسمی تجزیه و منعدم شده که هیچ وقت خطرات امروزه مصر که از بقای ملیت آنها در پیش است برای ما روح نخواهد نمود ، این یادداشت میگوید که ما نمی توانیم دو وسط آسیا يك دولت مستقلی را مشاهده کنیم که فردا مانند خار دامن مان را بگیرد ، این یادداشت میگوید که ما آنچه بمانش نرم زیر سر ملتیان نهادیم و آنچه مواعیدی که دادیم و آنچه میاهو هائی که نمودیم تمام برای سلب استقلال ایران بود حالا که ایرانیان بخودی خود تسلیم نمی شود قوه قهریه تسلیم شان می نایم ، این یادداشت میگوید همینکه ده نفر افسران ما در جنوب کار فرما شدند هزاران اسم و رسم ازدیادش با اختیار خودمان است ، این یادداشت میگوید پس از اینکه ده نفر افسران ما وارد جنوب شدند اظهار عجز از تشکیل اردو از ایرانیان عمده بدخول قشون هندی در ایران خود را ناچار خواهیم نمود ، این یادداشت میگوید که پس از ورود قشون هندی در جنوب ایران برانگیختن سرکشان و رؤسای عشایر و زد و خورد با آنها و ازدیاد قشون و خرج تراشی ابداً دشوار نیست ، این یادداشت میگوید که پس از ورود افسران ما و پیش آوردن

برخی انقلابات مجبور به ساختن قلاع جنگی در مقامات مهمه و تدارک اسلحه های جدید پیش خواهد آمد ، این یادداشت تصریح می کند که جنبه ایران در شمال از دریا محروم گردیده در جنوب هم باید محروم شود ، بالاخره این یادداشت میگوید که سلب شرف و سعادت و استقلال و آزادی از ایرانیان واجب آمده است ، اینست آنچه از این یادداشت ارباب خبرت و بصیرت می فهمند ورنه هیچ واقعه تازه در جنوب پیش نیامده و نه هیچگونه انقلابات بلتیکی دیده میشود ،

این اغتشاشات و دله دزدی ها که امروزه در جنوب بروز نموده تمام خود آورده است ، یعنی دایگان مهربان تر از مادر برای پیشرفت مقاصد خود و بهانه بدست آوردن در پیش نمودن چنین یادداشتی فراهم می نمایند ، چرا ؟ برای اینکه سدی در جلو نفوذ آلمان در وسط آسیا کشیده باشند ، برای اینکه روسها از آنها قهر نموده دست اتحاد با آلمان ندهند ، برای اینکه خیالات آلمان را از طرف هندوستان منصرف دارند مکرر نوشته باز هم می نویسیم که جناب (سرادورد گری) برای برده بوشی يك سهو بلتیکی که معاهده با روس باشد بی در پی دارد مرتکب سهو های عظیم تر از آن میگردد و نتیجه جز ندامت نخواهد بود و عاقبت از این مسلک بعوض نفع زیان حاصل خواهد نمود ، و علاوه بر اینکه مسلمانان دنیا را از دولت انگلیس به نفرت خواهد انداخت و سلب اعتماد از انگلیسان خواهند نمود ، قبل از آنکه بمقاصد خود نائل شوند ایرانیان را مجبور خواهند ساخت که خویشان را در سببه حایه آلمان و عثمانی در آورند و ضرر این امر برای انگلیسان پیش از منافع آن خواهد بود ، و بر فرض محال که بمقصد خود یعنی تقسیم ایران نائل شوند خود را دچار اشکالات روس نموده هزاره هندوستان در تهدید خواهد ماند و برای جلوگیری از حمله روس به هندوستان همه ساله ملیونها خساره اردو های ساخلوی سرحد را باید متحمل شوند که بمجرد رسیدن روس بمقصد خود در ایران اتحاد با انگلیس را بیک سو نهاده برای حمله به هند با رقیب امروزه او آلمان که دولت انگلیس اینهمه به تکاپو افتاده و استقلال يك ملت شش هزار ساله را که هزاره دم از دوستی با انگلیسان زده و اعتماد بدو نموده اند محو ساخته متحد خواهند گردید ، در آن صورت انگلیسان را جز کف افسوس سودن و سودی ندیدن نتیجه حاصل نخواهند بود ،

(حبل المتین کلکتہ) و ملا حق اخذ اہولہ بدون قبض ندارند و توفیق کہ

(قیمت اشتراک)

(مشترکین را قبض مخصوص سال هجدهم دست نماند)

(سالانہ — شش ماہہ)

(دہہ شان بری شناختہ میشود)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

(ہند و برہمہ)

نامہ مقدمہ

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(کلبہ امور ادارہ با)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ توزیع میشود)

(ہر دو شنبہ)

المتین

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

سنہ ۱۳۱۱

(۲۷ شوال المکرم ۱۳۲۸ ہجری)

مراسلات خصوصی بدون امضای

(مصادف با)

(۱۰ منات — ۶ منات)

()

(معروف ادارہ درج نمیشود)

(۳۱ اکتوبر ۱۹۱۰ میلادی)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست)

جواب یاد داشت دولت ایران

(بدولت انگلیس)

امنیت کاملہ مملکت نماید آہمہ شرایط بہرودہ پلٹیکی را پیش نمودند کہ ناچار ملتوی ماند و وسند این را ہمانا خط سفیر انگلیس مورخہ ۱۶ مارچ پیش نمودہ است۔ با بیانات پلٹیکی ظاہر میدارد کہ دولتین بطریق غیر مستقیم مانع امنیت ایران می باشند ورنہ برای این جزئی استقراض اینگونہ شروط پلٹیکی کہ قابل قبول نبود پیش نمی نمودند و بمبارق واضح تر اشعار مینماید کہ دولت انگلیس در صورتی کہ درین جزئی ہمراہی مخالفت نمودہ گویا حق پیش نمودن چنین اشتکائی را نداشته باشد۔ چہ ہرکار اسبابی لازم دارد۔ آن کسی کہ خود سلب اسباب میکند متوقع آن کار نتواند گردید

(۴) جواب میدہد کہ دولت جدید اضافہ

صدی دہ کمرکات را برای برقراری امنیت کاملہ و دائر نمودن سائر اصلاحات لازمہ بالاصالہ خواہد نمود و این کنایہ است بر اینکہ آنچه را امروزہ دولت انگلیس در یادداشت خود پیش نمودہ (بعنی اضافہ کمرکات) دولت ایران سہ سال قبل خواستگار اجرای آت بود کہ دولتین توأم رد نمودند، حالا کہ دولت انگلیس چنین تجویزی را پیش نمودہ چون تجویز همان تجویزی است کہ سابق ایران نمودہ بود فقط رضایت دولت انگلیس را تسلیم کردہ و خودش بموقع اجرا خواہد گذارد

تلگرافات روثر کہ اشارہ بمجواب یاد داشت دولت ایران شدہ مشعر بر چند مادہ بود کہ تشریح از آنها بی مناسبت نیست

(۱) تکذیب رسمی دولت ایران از اساس این یاد داشت۔ چہ اساس یاد داشت مبنی بود براغتشاش جنوب کہ علت خسارہ تجارت جلوہ دادہ شدہ بود، در جواب آن دولت علیہ اساساً این یادداشت را رسماً تکذیب نمودہ و ظاہر داشته تجارت خارجہ در ایران بجای کم زیاد شدہ است۔ مسلم است این تکذیب رسمی کہ اساساً این یادداشت را عاقل و باطل مینماید مبنی بر استانتیک کمرکات است کہ حسی و تکذیب بردار نیست و ہمینکہ اساساً بن یاد داشت رد شد کلیہ موادیکہ راجع بدین داشت است رسماً رد شدہ است

(۲) علت العلل جمیع اغتشاشات ایران را قیام

ون خارجہ ظاہر داشته کہ زندہ میدارد خیال ہومی عود شاہ مخلوع را در کلہ کم مغزان

(۳) بزرگترین الزام اغتشاشات ایران را از

ترانہ دولتین برای دولت جدید با کمال نزاکت نمودہ چنانچہ مہگوید دولت جدید وقتی کہ بی یک استقراض جزئی کہ میخواست صرف

گردد آت دیگری مدد و تأیید به سوی نتواند داد. ازین رو هر یک از آنان منفرد مانده و دولت هم با قرضه جدیدی که حاصل کند میتواند اردوئی برای قلع و قمع هر یک از آن دو بفرستد، و هرگاه این تصورات صحیح باشد یادداشت دولت انگلیس بر علیه قیام قشون روس در ایران است نه مخالف دولت جدید. و ازین است که بدون قوت وقت و با کمال قوت قلب و منتهأ شدت کاپنه ایران جواب یادداشت را داده از فشار روس و سخت انگلیس هیچوجه نه مرا سیده است.

دیگری میگوید که از بدداشت دولت انگلیس و جواب متین شدید فوری دولت ایران ما همراهی های چند هفته قبل ملت انگلیس نامت میدارد که پندفمه ترك مسك گنهن انگلیس و بیش بودن چنین بدداشت بپران و جواب شدید عاجز دولت جدید بیش آمد يك واقعه تازه را مدال میدارد و چنان گمان می رود که بن دولت ایران و آلمان سرأ قرار دادی شده و انگلیسان در برده بوئی رده بر تهدید دولت چین یادداشتی را پیش نموده، چیزیست که این خیال را قوت تواند داد همانا جواب عاجل سحت بر مغز کاپنه جدید ایران است، چه همینکه ما با وضع کنونی ایران بطر تعمق افکنیم و مرعوبیت دیرینه ایرایانرا از همسایگان مشاهده کنیم تصور نمیتوایم نمود که چنین جواب متین سیاست دندان شکنی را با ایکه مهلت کافی در دست داشتند بدون قوت وقت بدهند، و همچو مستند میشود که این جواب را دولت جدید قبل از پیش شدن آن یادداشت نوشته که ازین دست یادداشت گرفته و از دست دیگر جواب آن را قدیم نموده است، و چون در مواد خوبی به بارید شویم خواهیم دید که با وضع کنونی هر دو دولت ایران پشت گرمی و اطمینان بخوبی ای سحت بدست جواب در عوالم سیاست آخر توب سرورپ ر دارد ما این سحت و شتاب میداد

چون دولت آلمان تمام هم خود را برای رسیدن راه آهن بغداد به پای از ساندوخلیج روس ما است صرف میباید و با دیگری است و وب ساحت از دولت عثمانی و طرفداری است از روس و سوایری راه آهن بغداد از رسیدن ما رسیدن به چاه شرق و سکویت در مقابل روسیه شده اند بیاید نمیباید که درین سده بین دولت جدید ایران و آلمان سرأ قراردادی شده و انگلیسان را بو حشت انداخته چنین یادداشتی پیش نموده اند و جواب ایران

هم بنا به بشت گرمی و اطمینان به آلمان بوده است. چیزیست که این عقیده را قوت میدهد این است که سردار ارفع را لقب (سر) و نشان (کی - سی - آتی - ای) از طرف حکومت هند فوری داده شده و او نیز قبول نموده است و این لقب را لاردر کرزن وقت که به خلیج رفت اراده داشت باو بدهد ولی دولت ایران مذکور نموده او نیز از قبولش متعذر گردید.

اینکه که خیال سر ادوردگری مشوب شده همان نشان را به شیخ مذکور بش نموده و او نیز جواب با دو سردار دیگر جنوب در مخالفت مختاریان متحد است این مخالفت را ماه و قبول این نشان که يك تبر و دو نشان است نموده، یعنی هم مخالفت خود را با مختاریان ثابت کرده و هم در برده حایه انگلیسان را نسبت بخود ظاهر داشته است، هرگاه این عقیده تصدیق شود یادداشت انگلیس مقدمه يك سازش درونی را با روسای جنوب ظاهر میدارد

و این مسلک عموم سیاسیون راست که در هر مملکت و مات حقوق ناشناس بشرف است که میخواهند قدم پیش گذارند بدو با روسای آنها ساخته خودشانرا هم انداخته بدو سحت رحمت طوق عبودیت بگردن همه می اندازند، و آنچه معلوم می شود دولت جدید برای امنیت جنوب مصمم شده و ازین رو سرداران تالان محض حفظ خود متمسك بانگلیسان گردیده آلمان هم موقع را غنیمت دانسته بیادداشت تازه دولت جدید را تهدید نمودند و چون دولت جدید پشتش گرم بود اعتنا بآن یادداشت نکرده سحت تر از آن جواب داد، سپس واقعه لقب دادن بسردار ارفع را پیش آوردند، حال منتظر باید بود که با سائرین از چه راه اظهار همراهی نمایند

اما گشتگوی استقرار از نانک انگلیس امری تازه است، چه ملك دولت انگلیس در ایران منافی با مقاصد ملی و تجار انگلستان در ایران است، از مدتی باین طرف تجار انگلیس از رجوع بدولت خود در طرف شدن با ایران امتناع ورزیده بالا ساله سعی به حفظ منافع خود بادولت ایران گردیده اند، هرگاه این تصورات مقرون بصواب باشد باید تصدیق نمود عقاید سیاسیونیکه میگویند «ناوۀ جنگ بزرگ اروپا از خلیج فارس یعنی عمده سر بیرون خواهدزد»

حبل المتین

این بود ظنیات سابرین، ما نظریات خود ما را در این مسئله اهم حواله به آنچه می نمائیم

مکتوب قونل جنرال روس از بغداد
 (بتوسط وکیل خود شان آقا ابوالقاسم)
 (شیروانی مقیم نجف اشرف بمقام منبع)
 (ریاست روحانی اسلام)
 (۲۶ شهر صیام)

جناب آقا ابوالقاسم شیروانی بخدمت حضرت
 آیة الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مشرف شو
 و عرض کن که از مثل ایشان که بفراست و کیاست و
 اصابت رای مخصوصند سزاوار است که در امور
 عور روسی فرمایند و بقول بعض ارباب غرض
 مسارعت و اقدامی فرمایند

بعض اروپائیان که با دولت روس غرض و عداوت
 دارند بعد از محاربه اخیر که برای دولت روس
 اتفاق افتاد تا بحال همیشه در صدد هستند که هر
 وسیله بتوانند منابع ثروت و مالیه دولت مشارالیه
 را که در عروق ممالک بمنزله خون است تقلیل و
 آن دولت فحیمه را ضعیف کنند بعض ایرانیان هم
 در این مقصد با آنها شریک و محض عداوت و
 عداوت با روس بدون آنکه دواعی وطنیت نسبت
 بایران منظور شایسته باشد میخواهند برای دولت
 روس اسباب اشغال و تقلیل مالیه فراهم کنند و
 باین غرض جهاد با روس و تحریم امتعه روسیه را
 خدمت حضرت آیة الله جلوه میدهند

البته این معنی بر حضرت معظم الیه نباید مستور
 باشد که اگر اعلان بجهاد کنند البته شیعه ایران
 چنان استعدادی که بتوانند با دولت با عظمت و
 اقتداری مثل روس مقابله کنند ندارند

و اگر تحریم تجارت کنند مال التجاره که از
 ایران روسیه می رود خیلی زیاد تر است از آنچه از
 روسیه بایران حمل میشود و در این صورت البته
 روس هم سبب بالالتجاره ایران همین معامله را
 خواهد کرد و بالاخره ضرر و خسارت آن بر ملت ایران
 از ضرر و خسارتی که بر ملت روس ازین جهت وارد
 میاید زیاد خواهد بود

دولت روس قشونی را که در ایران ساخلو
 نموده است وقتی که بداند برای تجارت او ضرری
 متوجه نخواهد بود آماده خواهد داد و برای ایران
 هم این معنی عین صلاح است رجال احرار ایران

که صاحبان نفوذ و اعتبارند و اکثریت هم دارند در
 همین رای موافقت و مخالفین این رای در ایران
 عدداً اقل نفوذ و اعتباری هم ندارند
 از بزرگ با سیاست و کیاستی مثل حضرت معظم
 الیه سزاوار چنان است که عاقبت وخیمه این اقدامات
 بر علیه روس را عور روسی فرموده باقوال ارباب
 غرض مسارعت و ترتب اثر فرمایند
 (امضا اربابوف)

حیل المتین

دیپلمات روس درین مراسمه بمسک دیرینه
 دولت متبوعه خود عمل نموده بخیل خویش خیلی
 شاه کار های پلنتیکی بکار برده است

(۱) بزبان پلنتیکی تکذیب میکند حیثیت ملی
 ایران را و بحرك آنها را دشمنان خودشان از
 اروپائیان جلوه میدهد

(۲) امر را میخواهد بمقام منبع ریاست روحانی
 اسلام مشتمه ساخته عظمت و شکوه دولت روس
 را بحجم دارد

(۳) میگوید در صورت حرمت امتعه روس
 در ایران معاوضه بالمثل در روسیه هم خواهد شد
 (۴) میسراید که امتعه ایران در روسیه بیش

از امتعه روسیه در ایران وارد می گردد
 (۵) اشاره میکند بقوت برداران خود در
 ایران که قیام قشون روس را منید میدانند

(۶) میگوید کسانیکه مائل به اخراج قشون
 روس و بحرك حیثیات ملی اند پیروان دشمنان روس
 می باشد

(۷) تهدید میکند مقام منبع ریاست روحانی اسلام
 را بر اینکه اگر پای مجاهده پیش آید ایرانیان قوه
 زد و خورد با روس ندارند

(۸) مقام منبع ریاست روحانی اسلام را بدین
 نکته ترعیب میکند که فقط شیعیان ایران پیرو آنند
 و بس و ضمناً اختلافات شیعه و سنی و تشتت فرق
 اسلام را ظاهر میدارد و در برده همه می نمایاند
 که غیر از شیعه ایران فرق سایر اسلام با ما نیستند

(۹) صافاً صاف میگوید که لزوم و عدم لزوم
 قیام قشون ما در ایران باید برآی ما باشد و تصریح
 میکند که تا وقتیکه ما قیام قشون خود را لازم ندانیم
 در ایران ساخلو خواهند بود

(۱۰) قیام قشون خودشانرا علاوه بر اینکه موافق
ما مصلحت ایران جلوه داده جز شرمه قلبی تمام
ایرانیان و ارباب حل و عقد را با قیام قشون
خودشان همراه جلوه میدهد

(۱۱) سر تا پای این مکتوب را که درست
ملاحظه کنیم و الفاظ او را بیکان بیکان بشکافیم چهار
نکته را مترشح میدارد

(اول) تهدید مقام منبع ریاست روحانی اسلام
(دوم) عدم اخراج قشون روس از ایران
(سوم) ترعیب بر اینکه مانند سال گذشته
نزاع بین شیعه و سنی خواهیم انداخت

چهارم - خود را دارای کیاست و فراست و
سیاست و درایت گفته سلب کینه این صفات را
از مقام منبع ریاست روحانی اسلام می نماید
حالا به پنجم مقام منبع ریاست روحانی اسلام
چه جواب فرموده اند

جواب مقام منبع ریاست روحانی اسلام
(بتوسط آیه الله زاده خراسانی)
(متع الله للمسلمین بطول بقائه)

جناب آقا اواته اسم شیروانی سلمه الله تعالی
مکتوب جناب جلالتماب جنرال قونسل دولت بهیه
روس بطر مبارک حضرت آیه الله روحی فداه
رسید فرمودند ابلاغاً معروض شود - اولاً در
خصوص عداوت و عراضیت داشتن بعضی با دولت
بهیه روس فرضاً چنانچه فیما بین بعض اروپائیان و
دولت بهیه سابقه غرض و عداوتی باشد یا نباشد
احدی از رجال ملت و دولت ایران را با آن
دولت بهیه جز روابط جواریه و تجاریه و مناسبات
و دادیه هیچ سابقه بوده و نیست، ملت و دولت
ایران جز حفظ استقلال خود و استحکام روابط
دوستی و تجارتی و حسن جوار و صلح عمومی و
رعایت نزاکت و حقوق بین المللی هیچ مقصد و همی
در نظر ندارند و تاکنون در رعایت این حدود
بقدر ذره فروگذاری نشده و با آنکه بدیهی است
رعایت روابط و دادیه و مناسبات جواریه و حفظ
نزاکت و حقوق بین المللی بحکم قانون و داد و حقوق
مسلمه عالم طرفینی است، مع هذا متاسفانه می بینیم از
چندی قبل باینطرف فقط از طرف دولت و ملت
ایران آنچه باید و شاید مراقبت و بلکه فوق حد

طاقت تحملات شده و میشود و بالعکس کارگذار
دولت بهیه روس نسبت با ارباب بهیچوجه نوامیس
و دادیه و مناسبات جواریه را لازم الرعایه و حقوق
بین المللی را محترم نمیدارند و با اینکه در زمان
انقلاب هم در حفظ حقوق اتباع خارجه خصوصاً
روسیه که هو حقه مراقبت شده سوق عسکر بداخله
ایران از ابتداء امرهم بدون مقتضی بود حالا که
انقلابات بمحمدالله تعالی مرتفع و امنیت ایران با سایر
ممالک متقارب و بر هر دی حسی عیاناً محسوس است
که ابقای قشون روسیه در ایران همه روزه یک
نوع اشکال عظیم برای ملت و دولت تولید و اختلال
جدید فراهم نموده اسباب تزلزل کلی و منافی استقلال
مملکت بوده و هست، و مناسد مرتبه و اشکالات
متولده هم جز بخروجشان قابل زوال و ارتفاع
نیست، معذک که اگر ما زهم بر ضد قوانین حقوق و
داد و مقتضیات حسن جوار و برخلاف عهد و
موافقیکه هنگام ورود قشون ما ملت ایران و تمام
دول معظمه شده بود اعاده آنرا بدفع الوقت
میکرد و چنین ماده فساد و اختلال دائم بدیانه
حفظ تجارت ابقا شود البته این معنی بر عدم مساعدت
کارگذاران دولت بهیه در استقامت و استقلال ایران
را اعتنا داشتن روابط و دادیه و مناسبات و حقوق
جواریه و غیرها دایل زرک و اماره و احسن خواهد
بود - و درجهی صورت بر هر فرد ایرانی و بلکه
هر مسلمانی خصوصاً مقام روحانیت اسلامی که حفظ
نقور و استقلال ممالک اسلامی را ذمه دار است
فریضه حتمیه خواهد بود که در مقام دفاع از حقوق
مسلمین و حفظ حوزه اسلامی بر حسب مناسبت و
و مقتضیات وقت از هر اقدامی فروگذاری نکند
و این معنی از جنبه وظایف اجباریه است که اصول
دیانت اسلامی در اینگونه مواقع بالمجبوریه دارد و
تسلی بردار نیست

و چون بهیه و دست آویزی که در این موقع
اساس دیانت و استقلال مملکت را در این ورطه
انداخته بحفظ تجارت و بالاخره باستعمال امتعه روسیه
در ایران مستند است از این جهت تکلیف دیانت
اسلامیه مقام روحانیه را برفع اصل این منشا
مجبور میدارد

۱ و الا نه اضرار در نظر و قابل توجه مقام روحانیت بوده و هست و نه ورود ضرر و خسارت اقتصادی در مقابل تکلیف دیناتی دارای اهمیت و لایق رعایت تواند بود

و اما جهاد بالاتر که در مکتوب آنجناب اشاره شده بود تا کنون تکلیف اسلامی چنین اقدامی را اقتضا نداشته و مذاکره این اصلا در بین نبوده و بالفرض چنانچه در موقی دینت اسلامیه این اقدام را اقتضا کند البته بخصوص ملت ایران اختصاص نخواهد داشت بلکه بالمجبوریه قاطبه مسلمین را شامل و بالضروره ترتیبات طور دیگر خواهد بود

انشاءالله تعالی ارباب سیاست آن دولت بیه باقتضای حق برستی و نوع خواهی این نکته مهمه را منظور و از پیش آمد هائیکه تکالیف اجباریه را متضمن است جلوگیری و محضار عساکر شان از ایران قلوب عموم مسلمین را جلب و همت حاصله را رفع و روابط دوستانه و تجارته و حسن حوار را مستحکم و مناقبات استقامت و استقلال مملکت و تزییع حقوق ملت را زیاده روا نخواهند داشت انشاءالله تعالی حسب الامر ابلاغ عرض شد که بجناب اجل ابلاغ دارید

آیه الله زاده خراسانی مهدی

حبل المتین

نمیدانیم با این جواب متین بر مغز که مشحون از کیاست است و امانتهای نزاکت و کمال ملاحظه کلبه اشتباه کارهای دیپلمات روس را رد فرموده اند آیا دیپلمات مذکور پیش پای خود نشسته مانند عریق از تشبث بهر حشیش دست خواهد کشید یا خیر دیپلمات روس بداند که از این خلاف قاعده و جسارت های واضحی که با مقام منبع ریاست روحانی اسلام اختیار کرده و بیفرقانون حرف شده سودی نخواهد برد چه مقام منبع ریاست روحانی اسلام نه تنها دارای حبه ریاست اسلامی که مافوق جمیع سیاسیات است میباشد بلکه دارای سیاسیات بوجه کنونی و از اوضاع عالم هم با خبر هستند، دیپلمات روس بداند که از این مخابرات تهدید آمیز بمقام منبع ریاست روحانی اسلام بجای سود زیان حاصل خواهد نمود عجباً این دیپلمات محترم نمیدانیم تا چه درجه بخمال خود مقام منبع ریاست روحانی اسلام را از سیاسیات و اوضاع عالم بی بهره

دانسته که علناً مقاصد مهمه سیاسی که باید در هزارگان برده مستور باشد با منتهای بی ربلمی الناظ و کمال خشونت ارازمیده، عجب تر آنکه از این مکتوب بی ربط غیر مرعوب منتظر نتیجه مرغوب هم است، دیپلمات روس بداند که مقام منبع ریاست روحانی اسلام بی حکو بی مقاصد روسیه در ایران بوده و از تاریخ اضمحلال ملل اسلامیه که عهد اش بواسطه عصیت مذهبی روسپان شده و وصایای بطرکیر که سر مشق سیاسیات دویست ساله روس است واقف و مقتضیات کنونی اسلام و ایران بخوبی مطلع اند، دیپلمات روس بداند که مقام منبع ریاست روحانی اسلام مقتضیات مجاهده اقتصادی و مدافعه حقوقی ایران را قسی دانسته اند که به هیچ زبان نمیتوان بر آت موالی امر را مشبه ساخت، ریاست روحانی اسلام حشمت و عظمت و قوت و قدرت روس را که آن دیپلمات به بیانات بی ربط اظهار نموده قبل از وقت دانسته اقدام به امری که وطنه مقامیه خود داند خواهند نمود، مقام منبع ریاست روحانی اسلام بخوبی دانسته اند که بازار گاه امتعه روسیه بواسطه گرانی و مامرعوبی امروزه منحصر به ایران است و اگر ایرانیان جداً بترك امتعه روس قیام نمایند شیرازه تجارت روسیه بکفنه بریشان بگردد و دانسته اند مجبوریت روسی را در خریداری امتعه ایران برخلاف مجبوریت ایرانیان در ابتیاع امتعه روس، یعنی خریدار امتعه ایران بسیار و خریدار امتعه روس در خارجه منحصر به ایران است، و هرگاه بقول دیپلمات روس معاوضه بانثلهم بشود از طرفین نقصان روسیه و نفع ایران متصود است، مقام منبع ریاست روحانی اسلام بزبان مبارک خود بیان فرموده که ما در وطایب مقامیه و تکالیف شرعیه بر فرض صحت اقوال شما نمیتوانیم مصرات طایه را دلیل سکوت خودمان در اضمحلال مملکت اسلام که شما مد نظر گرفته اید قرار دهیم، و بجز رد کرده اند قول دیپلمات مذکور را که میگوید در صورت حکم به جهاد شیعیان ایران تاب مقاومت با روس را نخواهد آورد، و تصریح فرموده اند که در صورت لزوم صدور چنین حکم اختصاص به ایران نخواهد داشت و ترتیبات لازمه که توسعه دائره این حکم را بدها اقدام شده و در جمیع مسلمانان عمومیت پیدا کرد

حکم را بحکم حقیق خواهند سپرده مقام منبع ریاست روحانی اسلام دانسته اند که مقتضیات سیاسی کنونی دنیا دولت روس را بدون هیچ حق مشروع اجازه نمیدهد که بیش از این بیجانی و حقوق شکنی را در حق ایرانیان روا دارد و منت انت اند که هرگاه ایرانیان مجبور به خریداری عمل البدل مال روس از اروپا شوند روسیه بر حسب معاهدات اقتصادی یا سایر دول اروپا نمیتواند جلوگیری از مال التجاره که برای عبور از حاکمان می فرستند بنماید، و بر فرض کامیابی هم در کمال سهولت امتعه ضروریه از اروپا از سرحدات دیگر وارد تواند گردید، ولو مصارف کرایه (که آنها در حقیقت منت خواهد بود) امتعه ساترین ارزان تر وارد ایران خواهد گردید و مجاری بسیار برای در رو امتعه ایران پیدا خواهد شد و بزرگترین اسباب ترقی تجارت و صنایع ایران بهترین سد ابواب بهانه حوثی روس هانا مجاهده اقتصادی است که حکم بر آن صادر شده است، در جواب تهدید دیپلمات روس مقام منبع ریاست روحانی اسلام با مآهای تراکت مدالی داشته اند که در صورت لزوم صدور حکم بمجاهده دفاعی روسیان صرفه نخواهند برد و بعوض نفع نقصان خواهند یافت، و دولت روسیه بر فرضی هم که حکم بمجاهده دفاعی منحصر بر ایرانیان باشد از عهده هیچ ان شصت کرور شیعیان ایرانی بر نه تواند آمد، مقام منبع ریاست روحانی اسلام با یک بیانی که عوانه اسلامیت را منتهی نماید به دیپلمات روس جواب میدهند که ما بخوبی دانسته ایم که آنچه بر اسلام و ایران آورد هانا مرعوبیت های عجا بوده و باین سخنان بی مغز و تشره های بی مزه از این و صد اسلامیان عموماً و ایرانیان خصوصاً مرعوب ابهت و اقتدار موهومی روس با سائر متجاوزین بحقوق مشروعشان نخواهند گردید. الحق اجوبه متینة مقام منبع ریاست روحانی اسلام بدیپلمات محترم روس به اندازه دارای تراکت است که جای تنقید برای دوست و دشمن نگذارده و اتام حجت بدولت روس فرموده بر عالمیان مدالانه ثابت نموده اند که اسلامیان را عموماً و ایرانیان را خصوصاً و ریاست

روحانی اسلام را بالاخص تعصبات مذهبی نیست و این احکام صادره تمام از وظائف ملیه و مقامیه و اصول محافظه سیاسیه است و با آن همه اجحافات روس و صبر ایرانیان اگر باز هم دست از زیادتی کشیده و بهمان حقوق منصوبه یا غیره منصوبه که در دوره استبداد در ایران حاصل نموده قناعت ورزد ایرانیان با کمال سلم خواهی و صلح جویئی ترك مرادوات اقتصادی و سیاسی با روس نخواهند نمود، و در صورتیکه روسیه به اصمحلالات اسلام قد علم کرده و بخواند جا خالی اقصای شرق خود را از ایران حاصل کند جز از ترك سیاست و تجارت با او چاره نخواهیم داشت و به آخرین وظیفه خود قیام نموده خواهیم گفت لاحول ولاقوة الا بالله العلی العصیم ای ایرانیان عبور ای غیرتمندان وطنخواه ای وضخواهان اسلام برست! درست درمراسله قوسل روس که بمقام منبع ریاست روحانی اسلام نوشته عور کرده از خیالات روسیان واقف گردید. دولت روس بر حسب مسالك دیرینه خود هر کجا که قدم پیش نهاد تاوقتی سر نخورد باز پس نه گذارد شما راست که بوظیفه ملیه و تکالیف دینیه و اطارة حب وطنیه خود قیام نموده حکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام که یشوای دین و دنیای شما است حمایت کرده در اجرای احکام انمقام منبع از مال و جان دریغ ندارید که خیر دنیا و آخرت شما در آن است، ایست که قیام به مجاهده اقتصادی نموده و بوظیفه ملیه عمل کرده و حکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام را بموقع اجرا آورده اید، مبدا سستی و توانی کرده خصم را بر خود چیره تر سازید و بدانید که اگر در اجرای این حکم مقدس که بزرگترین وظیفه ملیه شما است کوتاهی کنید اعم بر اینکه در نزد جمیع ملل حیه سرشکسته و بدنام به بی حسی و بی دینائی خواهید شد هم دین تان خواهد رفت و هم دنیای تان هم تا هوس تان بر باد خواهد شد و هم عزت تان و همین موقع است که در حق شان صادق خواهد آمد (لن یذمکم الفرار ان فررتن من الموت او اقتل و ادا لا تتمون الا قلیلاً)

ایران امان است از خواب برخیزد (اسلاو) بکلی از
 (وقت هنر است و کار سازی است)
 (از قلم یکی از سیاستون انگلستان)
 زجمله فقرات برگرام کابینه جدید یکی این بود
 که سی هزار قشون برقرار شود ۶۶۰۰ نفر برای
 مرکز بطرز جدید و باقی برای ولایات بطرز قدیم !
 از مذاکرات مجلس ملی ۱۷ شعبان جنین استنباط
 میشود که نه کرور تومان برای این سی هزار
 خرج منظور شده از ابقرار هشت کرور تومان
 خرج (شش هزار و شصت) نفر خواهد شد
 زیرا که مخارج ۲۴ هزار دیگر بطرز قدیم از قرار
 هراری بیست هزار تومان تقریباً يك کرور و بلکه
 کمتر میشود (در صورتیکه در سر خدمت بوده از
 صاحب منصب تا تاین مواجب و جیره و علیق بگیرند)
 از این میزان معلوم میشود ایران از اصلاح طلا
 خوردن می فهمند و الا عثمانی که تمام قشونش
 بطرز اروپائی است و قسمت عمده اش در اروپا
 است که مخارجش پنج برابر مخارج مشرق است
 و با آنهمه مواجبهای گراف بحرالمانی آلمانی و
 مخارج ادارات بزرگ نظامی (۹) ملیان لیره عثمانی
 در بودجه برای دو بیست و هشتاد و چهار هزار
 معین کرده و از این قرار برای سی هزار نفر به
 بول تومان نه کرور بل کمتر می افتد !
 انانی نظامی انگلیس (در کتاب آبی نمره
 اول) مخارج هزار و پانصد قزاق ایران را که
 بطرز اروپائی است بعد از وضع ۲۵ هزار لیره که
 صرف مواجب جنرالها و امیر تومانیهای افتخاری
 منت خور و وظیفه خوران قزاقخانه میشود از قرار
 سالی بست هزار لیره که تقریباً صد هزار تومان
 می شود تخمین کرده و از این میزان سی هزار
 قشون مرتب بطرز اروپائی را در ایران بچهار
 کرور تومان بخوبی میتوان نگه داشت! در اینصورت
 هیچ معلوم نمیشود هشت کرور تومان برای شش
 هزار نفر از روی چه ماخذ است ! و چون
 نوبه دو سال در عرض ۱۶ ماه از پس برده
 بیرون نیامده (در حالی که دو بودجه عثمانی
 عرض پارلمان رسیده) نمیشود پیش از این
 از روی بقیه حرف زد ! مثله بودجه ایران
 از اسرار لایحل شده ! هیچ نمیشود تصور

(تا مرا دم ترا بپرسید است)
 (دوستی من و تو بر باد است)
 (روس)
 و شال ایرانم با این حال بودن جاری مانند
 رسانده بود عثمانی مستطیر با آلمان برای روس موثرب هیچ بهره
 در خارجه نخواهد شد و از آنطرف موافقت بین ملت انگلیس
 شده ! میگویند روس مسئله همجوالی با خرس است هر قدر هم
 چه بک است (بلگراد هاردینگ) و (سرادوردگری) سر
 (يك نه بوی) بگیرد فریاد ملت انگلیس از صاحب
 بر حال چون این فقره است این قرار داد روس
 بقا و قنای استقلالیه ملی و مملکتی دارد و اگر نامی در
 و در مجلس خیلی توجه مختصر نسبت خدمت که حضرات در
 شده لهذا ما ناچاریم که نظریات خود را در این کار عثمانی
 بیان کنیم .
 اولاً این عقیده نه عقیده است که منحصر
 بکابینه جدید باشد بلکه با اکثر از سیاستون نمره
 اول ایران که ملاقات کرده ایم تقریباً باین عقیده
 بودند که سی الی پنجاه هزار قشون منظم بطرز
 اروپائی فعلاً کافی است ! پس در اینصورت طرف
 ابراد ما تمام سیاستون ایران است ! من یک و تنها
 با تمام قوت قلب میگویم این عقیده خط و موثرب
 اضمحلال استقلال ایران است ! چرا ؟ دلیل اینکه
 یا مقصود آن است که باین سی هزار نفرم میتوان
 داخله را منظم داشت و هم مقاومت با تجاوزات
 و تحکات همسایگان نمود یا اینکه فقط برای انتظام
 داخله است ! چون نمیشود تصور کرد که شخصی
 باین سادگی بهم برسد که بر شق اول معتقد باشد
 ناچار شق دوم را مطرح تحقیقات می کنیم !
 اگر مقصود این است که سی هزار نفر برای
 انتظام داخله است پس سیاستون ایران را با عقیده
 بر این است که اولاً احساسات انسانیت و مراتب
 تمدن و حقوق برستی هرگز همسایگان احازت نخواهد
 داد در صورتیکه مملکت ما منظم باشد با اجحاف
 کنند و تجاوز بخاک ما کرده تمهید تصرف ملک ما
 را فراهم آرند فرضاً هم یکی از همسایگانرا جنون
 بر سر زد و این قید و بند را از هم بشید و
 سر بطنیان با عالم تمدن و انسانیت و حقوق بر آورد
 و خواست بر خاک مقدس آن ملت محیب عبور
 مظلوم آرام تجاوز نماید و بر حقوق ما بتازد غضب
 قانون بین الملل بپوش آمده اوری تیره از جانب

ریاست روحانی اسلام داشته اند که مقننات سیاسی کنونی دنیا دولت روس را بدون هیچ حق مشروع اجازه نمیدهد که بیش از این بیجانی و حقوق شکنی را در حق ایرانیان روا دارد و ملتت آنند که هرگاه ایرانیان مجبور به خریداری عمل البذل مال روس از اروپا شوند روسیه و حسب معاهدات اقتصادی با سایر دول اروپا میتواند جلوگیری از مال التجاره که برای عبور از حاکمان می فرستند بیاورد، و بر فرض کامیابی هر درکال سهولت امتعه ضروریه از اروپا از سرحدات دیگر وارد شود گردید. ولو مصارف گزافه (که آهم درجیب ملت خواهد بود) امتعه ساترین ررن تر وارد ایران خواهد گردید و مجاری سیلاب برای در رو امتعه ایران پیدا خواهد شد و بزرگترین سبب ترقی تجارت و صنایع ایران بهترین سد انوب بهانه حوثی روس هم، معاهده اقتصادی است که بر آن صادر شده است. در جواب تهدید دیپلمات روس مقام منبع ریاست روحانی اسلام و منبری نزکت مدلل داشته اند که در صورت بروز صدور حکم مجسأه دفعی روسیان صرفه نخواهد بود و عرض مع مصالح خواهد یافت. و دولت روسیه بر فرضی هم که حکم مجسأه دفعی منحصر بر ایرانیان باشد و عهده میدهد این شخصت گروه شیعیان ایرانی بر نه تواند آمد، مقام منبع ریاست روحانی اسلام بایک بیانی که عنوان سلامیت را منتهیه نماید به دیپلمات روس جواب میدهد که ما بخوبی دانسته ایم که آنچه بر سلام و ایران آورد همانا مرعوبیت های بیجا بوده و پس سخنان بی مغز و تشرهای بی مرمه اراپن و سد اسلامیان عموماً و ایرانیان خصوصاً مرعوب است و اقتدار موهومی روس با سائر متجاوزین حقوق مشروعۀ شایسته نخواهد گردید. الحق احوبه منینه مقام منبع ریاست روحانی اسلام بدیپلمات محترم روس به اندازه دارای نزاکت است که حای تقید برای دوست و دشمن نگذارده و انهام حجت بدولت روس فرموده بر علیمان مدالانه ثابت نموده اند که اسلامیان را عموماً و ایرانیان را خصوصاً و ریاست

این احکام صادره تمام از وظائف ما اصول محافظه سیاسیه است و با آن روس و صبر ایرانیان اگر باز هم دست از کشیده و بهمان حقوق منصوبه یا غیره منصوبه که در دوره استبداد در ایران حاصل نموده قناعت ورزد ایرانیان با کمال سلم خواهی و صلح جیوتی ترک مرادوات اقتصادی و سیاسی با وسیع خواهند نمود، و در صورتیکه روسیه به اصمحلل اسلام قد علم کرده و خواهد حا حالی اقصای شرق خود را از ابراست حاصل کند جز از ترک سهیاست و تجارت ما او جیره خواهیم داشت و به آخربن وطیبه خود قیام نموده خواهیم گمت لاحول ولاقوه الا بالله العلی اعصیم ای ایرانیان بیور ای برتندار و معحوام ای وضحواهان اسلام درست درست درمراسله قواسل روس که مقام منبع ریاست روحانی اسلام داشته سور کرده از خیالات روسیان واقف گردید. دولت روس بر حسب مسلك دیرینه خود هر کجا که قدمش باشد تا وقتی سر نخورد باز پس به گذارد شما راست که بوطیبه ملیه و تکلیف دیبیه و امره حب و طیبه خود قیام نموده حکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام که پشواپی دین و دیسای شما ات حمایت کرده در احرای احکام ان مقام منبع ارس و خان دربع ندارید که حبر دنیا و آخرت شما ر آن است. ایست که قیام به مجسأه اقتصادی نموده و بوضیعه ملیه عمل رده، حکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام را بوضع حرا آورده اند. مبادا سلس و توانی اردم حتم ر بر خود چیره تر سارید و نداید که اگر در احرای این حکم مهتس به بزرگترین وطیبه ملیه شما است کوتاهی نباید اهم بر ایستکه در نزد جمیع مال جیه سرشکسته و بدنام بهی حای و بی دنیای خواهد شد هم دینتان خواهد رفت و تم دنیای تان هم ناهوس تان و باد خواهد شد و عرت تان و همین موقع است که درحقتش صادق خواهد آمد (ان یا حکم الفرار ان فررتی و اولقتل و ادا لا تمنون الا قده)

تاریخ فصل شود که همجنس (اسلار) یکی از
دولت (عثمانی) خارج و مقدمه اتحاد (بالکان)
افرام آیدوم (روس)

بشود
قرار شود
ولایت بطرز

تعداد ۲۷ شعبان خنجر استبداد
کروزر توپخانه برای این سی هزار
مقرر شده از استقرار مشت کروزر تومان

خرج (شش هزار و شصت) نفر خواهد شد
زیرا که مخارج ۲۴ هزار دیگر بطرز قدیم از قرار
هزاری بیست هزار تومان تقریباً یک کروزر و بلکه
کتر میشود (در صورتیکه در سر خدمت بوده از
صاحب منصب تا نایب موجب وجیره و علیق بگیرند)

از این میزان معلوم میشود ایران از اصلاح طلا
خوردن می فهمند و الا عثمانی که تمام قشونش
م بطرز اروپائی است و قسمت عمده اش در اروپا
است که مخارجش پنج برابر مخارج مشرق است
و با آهسته مواجبهای گراف مجزایه آلمانی و
مخارج ادارات بزرگ نظامی (۹) ملیان لیره عثمانی
در بودجه برای دوست و هشتاد و چهار هزار
معین کرده و از این قرار برای سی هزار نفر به
بول توپخانه کروزر بل کتر می افتد

انانی نظامی انگلیس (در کتاب آبی نمرة
اول) مخارج هزار و پانصد قزاق ایران را که
بطرز اروپائی است بعد از وضع ۲۰ هزار لیره که
صرف مواجب جنرالها و امیر توپخانههای افتخاری
منت خور و وظیفه خودان قزاقخانه میشود از قرار
مالی بیست هزار لیره که تقریباً صد هزار تومان
می شود تخمین کرده و از این میزان سی هزار
نشت مریا بطرز اروپائی را در ایران بچار
تومان بخوبی میتوان نگاه داشت

سی
بگر
منظور
و حال آنکه بهمان میزان مخارج قزاقخانه

(تا مرا دم ترا پسر بر باد است)
(دوستی من و تو بر باد است)

و شال ایرانهم با این حال بودن خاری مانند
عثمانی مستظفر با مان برای روس مورت هیچ بهره
نخواهد شد و از آنطرف موافقت بین ملت انگلیس
و روس مسئله همجواری با خرس است هر قدر هم
لاورد جانز هاردینگک (و سرادوردگری) سر
حکام بگیرند فریاد ملت انگلیس از صاحب
شاهان بلند است : این قرار داد روس
و در مجلس خلیل نوبه میشود
شده لهذا ما ناچاریم که سرایت خود را در
بیان کنیم

اولا این عقیده که عقیده است که مسر
بکابینه جدید باشد بلکه با اکثر از سیاسیون نمرة
اول ایران که ملاقات کرده ایم تقریباً باین عقیده
بودند که سی الی پنجاه هزار قشون منظم بطرز
اروپائی فعلاً کافی است : پس در اینصورت طرف
ایراد ما تمام سیاسیون ایران است : من بکه و تنها
با تمام قوت قلب میگویم این عقیده خطی و مورت
اضمحلال استقلال ایران است : چرا ؟ باینکه
یا مقصود آن است که باین سی هزار نفرم میتوان
داخه را منظم داشت و هم مقاومت با تجاوزات
و تحکات همسایگان نمود یا اینکه فقط برای انتظام
داخه است : چون نمیشود تصور کرد که شخصی
باین سادگی بهم برسد که بر شق اول معتقد باشد
تاچار شق دوم را مطرح تحقیقات می کنیم
اگر مقصود این است که سی هزار نفر
انتظام داخه است پس سیاسیون ایران
بر این است که با این سی هزار نفر
تند و خند

حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حوا
خاک اروپا
بی مانع مال روس شود
حواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادش
خیالات مکنونه خود خواهد آمد : و انسابها و
ملازمتها و امتیازات شما روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت : این دول
کنه گرگ اند همین تزییبات خنجر از دول و ملل

حکم را محکم حقیقی خواهند سپرد. مقام منبع ریاست روحانی اسلام دانسته اند که مقتضیات سیاسی کنونی دنیا دولت روس را بدون هیچ حق مشروع اجازه نمیدهد که بیش از این حسابی و حقوق شکنی را در حق ایرانیان روا دارد و ملتت اندک هرگاه ایرانیان مجبور به خریداری عمل تبدیل مال روس از اروپا شود روسیه بر حسب معاهدات اقتصادی روس کافی یا سایر دول اروپا نمیتواند جلوگیری از مال التیم بتازند و تجاوز که برای عبور از حاکمان آن می فرستند سبب حفاظت انگلیس و بر فرض کامیابی هم در کمال سهولت لمحقوق ما خواهد بود !

از اروپا از سرحدات دیگر وارثی اول است که اعتماد به نام مصارف گزیه (که آسم دودر سیاسیون ایران آنقدر ساده اند امتعه ساترین ایران تر خوش باور که شینته و فریفته قوالب و مجاری بسیار برفتنگ میان نسی اروپائیان را راجع به حقوق خواهد شد مو تمدن و اسانیت و کنتراسهای صلح و محاکمه ایران - بین المللی مبنی بر حقیقت و منتج اثری بدانند باید بر سادگی آنها خندید ، و بر حال ایرانش زار گریست ! اگر منظور شق دوم است که اعتماد بر رقابت انگلیس و روس باشد در اینصورت نه فقط منتهای سادگی و فایت و اطلاعی از تاریخ قرون گذشته و موجوده را بشاداده و تجاوزاتی که هر روز بخاک آنها میشود چشم می پوشد بلکه استقلال مملکت خود را دو دستی بی چک و جونه روس و انگلیس تقدیم و تسلیم می کنند و آنها را (بر تکتور) خود قرار می دهند و زمان فصیح از روس و انگلیس دعوت بحفاظت ایران که بالاخره ناچار بتصاحب میشود مینمایند! اگر مقصود این است که محمد علی میرزا بهتر و خوبتر از عهده آن کار میتوانست بر آید دیگر این همه مباحث و خوش ریزی و تاخت و تاز و مجلس مل وقانون سازی برای چه بود ، این پلنیک را هیچ نام نمی توان نهاد مگر پلنیک (کر الی ما فر) چه هیچ ایلی در کره ارض میتواند تصور کند که دولتمن سالی صد ملیان لیره خرج عساکر بری و بحری نمایند و مملکت زرخیز را که در بهترین نقطه دیای قدیم افتاده و هزار منافع تجارتی و اقتصادی و نظامی از آن میشود برد هم از تجاوزات یکدیگر حفظ میکنند و هم از تطاولات دول دیگر محفوظ دارند، محض اینکه اهل آن ملک آسوده بچزند و چرس بکشند و حرف بزنند یا قلاب بقلیان زده

روس و
کتابی
جاوزات

روحانی اسلام را بالاخره ۱ اکتوبر (۱۹۱۰) صفحه (۱۲)
این احکام صادره خولات و فواکه شهرها و عجائب مخلوقات نام اصول محافظه به عطش نصف شب و بیش کیک صحبت و اشعار مناسب نسیم صبح و زمزمه و همه برک درختان بخوانند !! دور نیست بعضی از سادگان بگویند : ای آقا دستی از دور بر آتش داری ! چرا ای همه مهمل میگی خیال می کنی ما این نکات را نمی فهمیم خوب میدانیم ! تصمیم باین مسلك نتیجه ملاحظه هزار مسائل دیگر است فعلاً برای مملکت امكانت بشرفت بیش از این نیست ، در نذارك قشون ، ما میخواهیم کم کم بکنیم بتدریج که مملکت آباد و نروت زیاد و خزاین معمور شود قشون را هم بهمان میزان زیاد کنیم و اصلاحات نظامی بعمل بیاوریم ! حالا که مرا و داشتنی اسرار را فاش بگویم آسوده می شی ! جواب این اعتراض مقدر را عرض میدم . ای آقای بر ملاحظه ! تا تو بگوئی خیر النساء گوشت ... را ... گریه ... برد ... گوشت را گریه خورد ! بقول (لورد روزری) (که از اول سیاسیون انگلیس است) در احنجاج و جوب از دیاد قوه بحری قبل از هر کار ... قوه دفاعیه مملکت بمنزله حصار و دیوار باع است ، تا باغ بدیوار محکم از تظاول و حملات اطرافیان مصون نگردد نتیجه و نمری از نخمهای گلهای رنگارنگ و فواکه گوما گون نمیتوان برد . این قبل از اتمام بهر مکل کاری و نهال گذاری باید طرح حصار باع را اداخت آنوقت بهترین و آرایش باع برداخت ، و الا آب بهاون کوفت و خود را بیپوده رجه کردن است !! ای آقای عزیز ساده لوح من در صورتیکه مدبر و سیاسی دان اول عالم انگلیس با چهار صد و چهل کشتی جنگی زره پوش کوه کوب مملکت خود را باع بی حصار داند و صرف پول ملت را قبل از صرف هرگونه اصلاحات داخلی و رفاه امالی در راه از دیاد قوه بحری لازم شمارد شما بطور میتوانید در مزمرعه و باعانات که مثل خانه در بسته بچنون هر طرف که نظر میکنی بیابان است قبل از کشیدن حصار گذاری و کشت کاری نمائید تا بتدریج صاحب نروت شوید و حصار بکشید ! مہیات مہیات !

(زهی تصور باطل زهی خیال محال)
اگر گذاری و کشت کاری بدون حصار ممکن بود دیگر بکشیدن حصار برای چه بود ؟

اینگانی که قرنها طمع در بلع این لقمه لذیذ
امروز فرصت بدست آورده خرس شاه دو پنج
و قطعه شاه گذارده و شیر جنوب بوزه در جنوب
روی هر دو دست نهاده با دو چشم باز مترصد
اوضاع است و هر دو از خوف اشاره خارجی مثل
بید می لرزند و هر سابه را که از دور می بینند دم
کرده دم علم می کنند دندان نشان می دهند و میجوشند
و میخروشند چگونه می نشینند و تماشای می کنند تا رو
بهان مزرعه شیر بشوند و آنها را از هم دریده و
از طعمه شان محروم سازند !! سبحان الله سادگی هم
باین درجه ممکن است !!

اینها هر ساعت مثل عنکبوت دارند دور شاه
می تند و شاه را از شش جهت قید و بند می کشند
اگر امروز دست و پائی در ضمانت از قید و بند
و استخلاص خود نزنید چندی نمی گذرد که خود
را مانند میت بینیدی الفصال خواهید دید ! و آنکسی
اگر امروز عده قشون ایران را باین قلت بیاورید
و از عده معمولی صد و بیست هزار بکاهید فردا
اگر در قصد ازدیادش بر آید بهانه اعتراض بدست
مسابقان می افتد که این ازدیاد قشونی مابه تهدید
سرحدات ماست و ما بحکم خود حق مطلق مقرر
در قانون بین الملل حق ضمانت داریم ! این است
اوقاتی که حضرات متمدن و قانون پرست میشوند !!
مگر نشدید چند هفته قبل که عثمانی چند کشتی
جنگی از آلمان خرید روس رسماً علت برای ازدیاد
قوة بحری خواست و عثمانی جواب داد که برای
حفظ سواحل مملکت خود لازم می بینم منتهی روس
ضعیف است نمیتواند زور بگوید و الا هرگز نمی گذاشت
که عثمانی کشتی ها را بخرد ! عبدالحمید بیست سال
بود میخواست چندتوب همراهی درگردد (بوسفرس)
برای حفاظت پای تخت خود نصب میکند روس
نمی گذاشت همیشه روس در مشرق بعید شکست
خورد فی الفور عبدالحمید توپها را نصب کرد و دولت
روس بحسرت تماشای کرد ! اگر هم بخواید قسمتی
از قشون را بطرز اروپائی تعلیم و منظم نمائید دیگر
لازم نیست که از عده قشون قدیم بکاهید منتهی باقی
را همان حال قدیم نگاهدارید تا بتواید همه را منظم
کنید ! و حال آنکه جهان میزان مخارج قزاقها

(اسلاو) بکلی از
انجاد (بالکان)
(روس)
(تا مرا دم ترا یسر میاد است)
(دوستی من و تو بر باد آست)
و شاه ایرانم با این حال بودن جاری مانند
خانه و بود عثمانی مستطهر با آلمان برای روس مورث هیچ بهره
و طالب آقار نخواهد شد و از آنطرف موافقت بین ملت انگلیس
کار حق روزه روس مسئله همجوالی با خرس است هر قدر هم
بیرند باید جداً باصلاح لار هاردینگ (و (سرادوردگری) سر
نظامی و دفاعیه خود برآیند بگیرند بر باد ملت انگلیس از صاحب
تجاوزات روس ضمانت کنند و بد است پس قرار داد روس
میان نبی مامورین دولت انگلیس گوی دارد و اگر نامی در
باید سختی با روس نکرد. و هر چه میخواهد است که حضرات در
نرمجند، و الا خوف آن است که دسته قهرانیون که کار عثمانی
پترسبرگ غلبه بر طرفداران اسوالسکی بکنند و بیابند داخله و
شاهرا زنده زنده با رخت و کلاه و شال و عبا فرو آورد
بیرند ! اینها مهملاتی است که با آنها تلقین شده و
خود آنها زیر جلی بر این بلتیک طاقت و خیم
می خندند ! ماعلی صوت و احلی صبت بشاه برادران
خود میگویم اگر روس را خوف عثمانی و آلمان
نبود تا حال تمام شاه ایران را بتصرف آورده
و انگلیس هم دستهای خود را بهم مالیده و با کمال
تاسف جنوب را برای خود مجزی کرده بود !
اینکه گفتم تحصیل قوه از روزه و نماز برای شاه
واجب تر است برای این است که بدون قوه دفاعیه
مملکت و مذهب برای شاه نخواهد ماند !

فصلاً بلتیک روس این است که بمنظور بماطله
بگذارند تا قوه بری و بحری خود را که از هم
متلانی شده سر و صورتی داده مستحکم نماید و در
ضمن ممالک کوچک بالکان که از جنس (اسلاو) اند
بهم متحد و حاضر شده که یکدفعه از هر طرف
بعثانی حمله کنند و او را از بالکان بلکه خاک اروپا
خارج نماید و شاه ایران هم بی مانع مال روس شود !
این است خواب روس هر وقت روس دید وقت
و موقع رسیده در تلاش صورت خارجی دادند
خیالات مکنونه خود خواهد آمد ! و انانیتها او
ملازمتها و امتیازات شاه روس را در آتیه از اجرای
منظورات خود باز نخواهد داشت ! این دول
کهنه گرگ اند همین ترتیبات خیلی از دول و ملل

حکم را بحکم حقیقی خواهند سپرد. مقام منبع
 ریاست روحانی اسلام دانسته اند که مقتضات سیاسی
 کنونی دنیا دولت روس را بدون هیچ حق
 مشروع اجازه نمیدهد که بیش از این بیسای و حقوق
 شکنی را در حق ایرانیان روا دارد و ملت است آنکه
 هرگاه ایرانیان مجبور به خریداری فعل البدل مال روس
 از اروپا شوند روسیه بر حسب معاهدات اقتصاد
 یا سایر دول اروپا نمیتواند جلوگیری از مال
 که برای عبور از خاک آنان می فرستند تا
 و بر فرض کامیابی هم در کمال سهولت (بلاند) شیوع داشت
 از اروپا از سرحدات دیگر وارد بدو آنگاه با دولت (سوئد)
 مصارف گزافه (که آنهم در تعیین و انتخاب پادشاه (بلاند)
 امتعه ساترن رزان رقابت زد و شخص (استاس) را وسیله
 و مجاری بسیار چه در آن ملک ساخت بد با دولت (پروس)
 خواهد شد ساخت بزور کتک او معاهد با (بلاندها) بست
 آن ملک را یکی در تحت نفوذ خود آورد و
 آتش حسد (فرانسه) مشتعل گردید و تحریک (فرانسه)
 (عثمانی) در سر (بلاند) با (روس) جنگید بالاخره
 وجه مصالح را دول اروپا با نسیم (بلاند) قرار دادند
 (روس) و (پروس) و (اخریش) هر یک قسمتی از (بلاند)
 را در ۱۷۷۴ بدو برای نام خود نامرد کردند و
 قشون بدان مناط فرستادند بعد از آن (روس) بزور
 زور و تهدید اربابان بلاند تحصیل رضایت بسرعت
 آن تصرفات کرد بالاخره در ۱۷۹۲ و ۱۷۹۰
 بطور بار دوم و سوم (بلاند) را قسمت کردند و
 تماش ساختند !! در این وقت چون همسایه شمالی
 قهرآ و علناً نمیتواند کاری بکنند تهدید و تشر
 میجوید هر چه ممکن است از (ایران) بیرون بیاورد
 زیرا که عقیده حصرات این شده (از روی تجاربی
 که دارد) که ایرانیان اول یک شارت و شورنی
 می کنند همیشه تشر خورده سر بنلاف می کشند و
 تسلیم محض میشوند! درنهایت قول خود که (روس)
 در عاصه برای تهیه قوا می خود است چند
 سطر از مقاله روزنامه Water and Wine را (که
 اظهارات آن روزنامه راجع باور باقیکی طرف
 توجه و اهمیت بزرگ دوائر دولتی وینه است)
 در اینجا نقل میکنم روزنامه مزبور راجع بانحاده (عثمانی)
 و (اخریش) و (آلمان) میگوید :- (عثمانی) نمیتواند
 دستهای خود را روی هم گذارد منتظر شود تا اینکه

روحان اسلام را با
 بی و بحری (روس) صورت و قدرتی بهم رسانده
 این احکام صالحه (بالکان) دست اتحاد بهم بدهند از مصالح
 اصول مخالف بزرگ (عثمانی) است که حالا خود را با (اخریش) و (آلمان)
 متحد بسازد زیرا که چنین اتحاد همه متحده دول
 (بالکان) را بر (عثمانی) و (اخریش) خارج از امکان می کند
 و چنین اتحاد هیچ خونی ندارد زیرا که (آلمان) و
 (اخریش) و (عثمانی) برای مقابله هر اتافی ناگهان
 مسلح حاضرند. (انگلیس) غیر از حرف بجز دیگر
 مخالفت با این اتحاد نمیتواند نماید و (روس) تا ده سال
 دیگر یک سرباز بر ضد این اتحاد حرکت نمیتواند
 بدهد (فرانسه) و (ایتالی) هم خارج از اعتنا هستند!
 لذا (عثمانی) نباید این فرصت را از دست بدهد برای
 ازدید قدرت و استحکام خود والا جنگ (بالکان)
 در سر دست است! خیلی ماول بکشد ده سال
 دیگر (روس) و ایتالی و (فرانسه) کاملاً مسلح میشوند
 و (انگلیس) بر قدرت بحری اش می افزاید و امروز
 روزی است که (اخریش) و (آلمان) و (عثمانی)
 فرصت را باید سبقت شایند

برم خوردن نقشه مشرق قریب و تزلزل
 (در ارکان پلتیکی اروپا)

پیداری (عثمانی) و بر مغزی و با هوشی قایدان
 آن ملت که قبل از همکاری بی فوت فرصت و ناشی
 علاج اصلی را فهمیده با بدل هر قسم جهد و پیشرفت
 نمایان نامتعام و اصلاح و ا کمال و ازدیاد قوای بری
 و بحری برداشته و حصار ملک خود را مستحکم
 ساختند نه فقط نشه پلتیک مشرق قریب بخصوص
 ایران را بهم زد بلکه زلزله در ارکان پلتیکی اروپا
 انداخت! تمام سیاستپون بصیر اروپا امروز بر این اند
 که در همین آینه نزدیک در اوضاع پلتیکی اروپا تغییرات
 بزرگ روی خواهد داد و همه نفس در کام چهار
 چشمی منتظر ظهور تغییراتند و بازیگران مهم و
 بزرگ پلتیکی در پس پرده سخت مشغول تهیه و تطویر
 در منظر عام اند !!

قرار داد انگلیس و روس
 (مرده منتظر دفن است)

اساس سری قرارداد (انگلیس) و (روس) بر این
 بود که مقدونیا را از تحت حکومت (عثمانی) بیرون
 آورده خود حکومتی بدانجا داد و معبر آزاد برای
 کشتیهای (روس) از دریای سیاه از (داردانل) و

(مدیرانین) تحصیل شود که هم جنس (اسلاو) بکلی از تحت حکومت دولت (عثمایی) خارج و مقدمه اتحاد (بالکان) و بالاخره اخراج (عثمایی) از اروپا فراهم آید و هم (روس) از تلاش رسیدن بدریا و تجارت با عالم آرام بشود و بواسطه یل بدین آرزوی دیرین و تصاحب شمال ایران بکلی صرف نظر از خلیج و جنوب ایران و بالتبع از خیالات فاسده خود راجع بحمله (هندوستان) بایند و در اروپا هم به تشکیل اتحاد تازه بین (روس) و (فرانس) و (انگلیس) سدی در مقابل بلند پروازیهای (آلمان) کشیده شود که در واقع (انگلیس) در مشرق از خطر تصویری حمله هند اینم بشود و در اروپا رشر (آلمان) مهون گردد و (روسهم) با بروی حصول بدریا رسیده و تصاحب شمال ایران ندارد و راحتی های خود در مشرق مهید نموده و بهراست مشغول مباحثه دست و پای شکسته خود و اصلاح امور داخله و پایه خویش برآید و باین محو و بحرانی و دلت دولت و ملت (عثمایی) و ایران حور آباد و سریر و از حوادث آتیه مأموث دارد ملی تا نمیرد یعنی سالی دیگری شادکام بشیید ولی تفاد احمد بدبر و لله یقین در دست شده روزگار مازی دیگر رحمت و تغییرات (عثمایی) را بش آورد حرفا را ملت و رکاب و کوزه تدبیرات آنها ماموثرکاری کرد اساس سالی دوست و اتحاد (انگلیس) و (روس) که ره یافتن بدریای (مدیرانین) بود (و انگلیس مقدماً بواسطه تکلیف دول مربوط معامله بران در اوایل سته شدن قرار داد و تمهید انجام آن مقصود را می چید برهم خورد سهل است حال برای نشتهای (روس) بجان توقف در دری سیاه هم بایند و برای حفظ خط عراده بس (ادیه) و سدر (وار) (بلقار) که راه مایع بین روس و (بلقار) است در تزلزل افتاده زیرا که (عثمایی) بواسطه چهار کشتی جنگی و رنگی که از آلمان خرید و کشتی های جنگی دیگر که تهیه نمود قوه بحری خود را دو مقابل قوه بحری (روس) ساخت این راه وصول بدریای عالم هم که (ممبر دار دابل) باشد مانند دریای (باسنیک) روی (روس) بت شد باز چشمش را بالطبع بخلیج ایران خواهد دوخت و از این راه انگلیس هرگز دست بردار نخواهد گردید

(تا مرا دم ترا بپرسید است)
(دوستی من و تو بر باد است)
و شمال ایران هم با این حل بودن حری مانند عثمایی مستطهر با آلمان برای روس موثر هیچ بهره نخواهد شد و از طرف موافقت بین ملت انگلیس و روس مسئله همجواری نا حرس است هر قدر هم (لاردر جابلر هاردینگ) و (سرادوردگری) سر حوال را محکم بگیرند مراد ملت انگلیس از مصاحبت با جنس آسپان بلند است پس قرار داد روس و انگلیس حکم مرده را دارد و اگر تاملی در حاله کردن آن دارد این است که حصرات در ردای قلوب خود احتمال میدهند که کار عثمایی همین جور ها بش رود و اختلافت داخله و اشکالات حرحی کار مملکت عثمایی وانه بریشای آورد و بر اساس قرار داد محلی خود برگردد پس بحركات مدوحه مامورین دولتی هیچ اهمیتی نباید داد جز حفظ ظاهر و اصرار وقت که به بند چه بش می آید ما هم میگویم در این سته انگلیس را آسدر باید ملامت کرد که خود ما را اگر ایران املاً تمهید در قوه ددعیه بری حصه خود داشت احتمال کمی میرفت که اساس قرار داد ما روس درباره ایران بطور دیگر گذاشته میشد یا هیچ احتیاج برار داد نمی اهدا ولی ملت که در فکر خود باشد و شب و روز در نای خود بکوشد کدام احق است که ما او مقدم و هم مسلک در یتیت شود

(تزلزل در اساس پلنتیب اروپا)

اما تزلزل در اوکان پلنتیک اروپا از این است که چون مثل عثمایی با روس مثل سنگ و سبو است و بالطبع در هر حلقه اتحادی که روس باشد عثمایی داخل دایره محاف آن حلقه خواهد شد و عثمایی از نقشه و حیالات باطنی حصرات در خصوص ممالک اروپائی او خوب مطلع و از قصد و منظورات حاله روس هم که ممالطه و تحصیل فرصت است که خود را حاضر ساخته و بعد از تبدیل اتحاد و استعداد ممالک بالکان از هر طرف بر او حمله کرده کارش را بسازند خوب مستحصر است و از طرف تشکیل دول متحده از جنس (اسلاو) در بالکان در تحت نفوذ روس بکلی منای مصالح